

فصلنامه خانه موسیقی ایران

سال سیزدهم - شماره ۵۲ - زمستان ۱۴۰۲



- گزارشی از برگزاری چهارمین نمایشگاه سازخانه
- آموختیم که در همه ایام عمر بیاموزیم
- گزارشی از مراسم تشییع و خاکسپاری جمشید عندلیبی
- برپایی جشنواره ای امید بخش
- مکتب به ویژه در موسیقی چیست؟
- گفت و گو با مهدی درویشی سازنده ستنور
- جامعه و تغییر در تعریف و تأیید گروه‌های مرجع



فهرست

- فراز و فرودها / ۲
بهاریه / ۳
گزارشی از برگزاری چهارمین نمایشگاه سازخانه / ۵
آموختیم که در همه ایام عمر بیاموزیم / ۱۰
گزارشی از مراسم تشییع و خاکسپاری جمشید عندلیبی / ۱۲
برپایی جشنواره ای امید بخش / ۱۴
مکتب به ویژه در موسیقی چیست؟ / ۱۸
توسعه‌ی حقوق و موسیقی / ۲۳
گفت و گو با مهدی درویشی سازنده ستور / ۲۴
سند موسیقی / ۲۶
« جامعه و تغییر در تعریف و تأیید گروه‌های مرجع » / ۳۰
انتشارات / ۳۱
درگذشتگان / ۳۲

فصلنامه داخلی خانه موسیقی ایران

سال سیزدهم - شماره ۵۲ - زمستان ۱۴۰۲

سرمدبیر: حمیدرضا عاطفی

دبیر تحریریه: غزل نهانی

همکاران: اعضای هیئت مدیره کانون پژوهشگران

ویراستار: صبا بهداد

مدیر هنری: افشین ضیائیان

گرافیک و صفحه‌آرایی: لیلی اسکندریپور

خانه موسیقی شماره ۱: خیابان فاطمی غربی - نرسیده به جمالزاده - شماره ۲۷۰ - تلفن: ۶۶۹۱۷۷۱۱

خانه موسیقی شماره ۲: میدان فاطمی، ابتدای خیابان شهید گمنام، خیابان جهانمهر، نیش بوعلی سینای غربی - تلفن: ۶۶۴۸۲۰۷۴

www.iranhmusic.ir

* دیدگاه نویسندگان فصلنامه الزاماً مبین موضع رسمی نهاد خانه موسیقی نیست.



*حمیدرضا عاطفی

فراز و فرودها

وزیر ارشاد در حمایت از مجوز برنامه علیرضا قربانی در اصفهان کاری بسیار نیک و در مسیر درست حکمرانی و یکپارچگی فرهنگی کشور بود. قطعا اگر همه‌ی مسئولان فعلی و قبلی اینگونه حرمت قانون را پاس می‌داشتند ما شاهد اعمال سلیقه‌های زشت و بعضا باجگیری‌های آزاردهنده به بهانه‌ی رعایت اصول اخلاقی و فقهی نمی‌بودیم.

شاید بتوان این اقدام بسیار سنجیده و درست را از اولین برکات و ثمرات «سند موسیقی» کشور به شمار آورد چرا که در این سند به صراحت از ضرورت صیانت از مجوزهای صادره از ارشاد تاکید شده است و لذا همانطور که قبلا هم به محاسن این سند اشاره کرده بودم همین نکته بسیار حائز اهمیت است که از این پس هر نهاد مسئول و غیرمسئولی سر خود نمی‌تواند با برگزاری کنسرتها برخورد کند و مانع از برگزاری برنامه‌های موسیقایی شود و این یعنی یک گام بلند رو به جلو...

و اما فعالیت‌های خانه موسیقی خوشبختانه در سال ۱۴۰۲ رشد بسیار چشمگیر و تاثیرگذاری داشت؛ برگزاری فستیوال پیانو، چندین دوره مسترکلاس، نمایشگاه سازخانه، آزمون‌های کارت صلاحیت، بزرگداشت‌های مختلف و... از جمله‌ی این فعالیت‌های ارزشمند بود که امیدواریم در سال آتی هم با همکاری همه‌ی استادان و اعضای عزیز استمرار داشته باشد.

و سخن پایانی اینکه آرزو می‌کنیم در سال آتی تحولات بزرگ و شایسته‌ای در همه‌ی عرصه‌ها بویژه در فرهنگ و هنر کشور روی داده و گشایشی اساسی درامر هنرمندان پدید آید تا در پرتو آن آثاری فاخر و تاثیرگذار تولید و کام ملت بزرگ ایران شیرین گردد.

* سردبیر

به پایان آمد این دفتر حکایت همچنان باقی....

سال پر از فراز و فرود ۱۴۰۲ هم به پایان رسید البته فراز که چه عرض کنم سال فرود و سال‌های فرود یکی پس از دیگری می‌آیند و همچنان ما در فرود به سر می‌بریم سال به سال فرهنگ‌مان و اقتصادمان و و افول می‌کند و شواهدش هم همین آمار کنسرتها و آثار و کتاب‌های ارزشمند و فاخر که تقریبا تولیدشان به صفر میل کرده است.

ولی از سوی دیگر تولیدات آثار مبتذل و به اصطلاح گیشه‌ای رونق روز افزونی پیدا کرده است. بارها و بارها اشاره که هیچ صراحتا گفته و فریاد زده‌ایم که ای آقایان به فرهنگ ریشه‌دار و اصیل هم عنایتی داشته باشید؟ به قول رئیس هیئت مدیره کجایند هم نسلان زنده یاد جمشید عندلیبی که در اوج پختگی گوشه‌ی انزوا گرفته اند و یکی پس از دیگری از میان ما می‌روند و داغشان به دل می‌ماند و شگفتا که دغدغه‌ی برخی مسئولان و رسانه‌ها برگشتن فلان خواننده پاپ لس آنجلسی است! البته که چه خوب و پسندیده است که همه‌ی هموطنان عزیز هنرمند و غیر هنرمند به کشور برگردند و همه با هم به سوی ایرانی آباد و آزاد حرکت کنیم... قطعا همه از بازگشتن هموطنان باید استقبال و شادمانی کنند اما آیا نباید گوشه‌ی چشمی هم به هنرمندان مقیم هم بیندازیم و گره‌ای از مشکلات عدیده‌ی آنها بگشاییم؟

امیدواریم سیاستگذاران کلان فرهنگی تمهیداتی بیندیشند و به گونه‌ای برنامه ریزی کنند که هرچیزی در جای خودش مورد توجه قرار بگیرد و همگان از برنامه‌ریزی‌های خردمندان بهره‌مند شوند.

اما در کنار نقد از عملکردها انصافا باید از برخی اقدامات نیک و بجا و درست هم یاد و تقدیر کنیم برای نمونه پایدردی و جدیت

بهاریه



آری

بی گاهان نوروز چنین آغاز خواهد شد...

نه کبک انجیر می خواند به دره

نه بر پسته شکوفه می زند جوش

و ما همچنان امید داریم تا بهار طبیعت دگربار زیبا شده و شکوفایی دوباره دل و جان را به تمام مردم ایران زمین شادباش گوئیم.

با وجود تمامی مسائل و مشکلات اقتصادی و اجتماعی در سال ۱۴۰۲، مفتخرم به برگزاری برنامه‌ها و جشنواره‌های بزرگی در سطح ملی و استانی به ویژه «پنجمین جشنواره سراسری موسیقی امیرجاهد» که با همیاری خانه موسیقی ایران رقم زده شد و «بزرگداشت دکتر محمد معین» و رونمایی از سردیس این بزرگمرد در خانه موزه دکتر معین و استاد امیرجاهد که با همیاری دکتر مهدخت معین و سازمان زیباسازی تهران صورت پذیرفت.

از صمیم قلب آرزومندم تا سال پیش رو سالی پر از تغییرات و اتفاقات منحصر به فرد برای تک تک مردم سرزمینم باشد.

مهدی مساح بیدگلی

کانون مدرسان خانه موسیقی

درآمد:
بهار آمد بهار آمد بهار خوش غدار آمد
بهار طبیعت و جانفزا رسید و کام جانمان را
شیرین کرد.
طبق سنوات گذشته به بهانه فرارسیدن
سال نو و بهار روح فضا از اعضای هیئت
مدیره کانون‌ها درخواست کردیم هریک
چند کلامی به همین مناسبت که در ادامه
می خوانید.



دریغ قافله عمر کان چنان رفتند

که گردشان به هوای دیار ما نرسد

دلا ز رنج حسودان مرنج و واثق باش

که بد به خاطر امیدوار ما نرسد

به امید برچیده شدن بساط ظلم از جهان و ایرانی،
آباد و آزاد و بهترین آرزوها برای هموطنانمان بخصوص
هنرمندان عزیز میهنمان در سال جدید!

علیرضا آزادگان مهر

کانون صدابرداران



در پرتو الطاف ایزد منان

نوروز فرخنده بر روزگار خرمندان مبارک

و بهار شوق انگیز بر قامت سبز وجودتان

شکوفه باران باد . . .

با آرزوی سالی خوش

محمد رضا صفی

کانون خوانندگان کلاسیک



۱۴۰۲ سال هست که موسیقی با اضطراب و دلهره و ترس به کار خودش داره ادامه میده
موسیقی مخاطب میخواد و مخاطبین هم مردم هستن
مردم هم که احوالشان عیان هست و حاجتی به بیان ندارد...

و اما در سالی که گذشت
خرسندم که تونستم خدمتی در خصوص بررسی و ثبت پرونده‌های هنرمندان کانون نوازندگان ایرانی و مقامی تنبور در کنار دیگر اعضای محترم هیئت مدیره این کانون انجام بدم، همچنین تونستم برای مدرسین تنبور قدمی بردارم و کمکی کنم که کارت صلاحیت تدریس داشته باشن.

در نهایت
در درون ما چیزی بنام امیدواری هست که امیدمان را بهش گره زدیم به همین خاطر امیدواریم که بزودی کسانی که در رأس تصمیم گیریهای کلان هنری هستن حتما از خود هنرمندان کاردان برگزیده بشن تا موسیقی در جایگاه و مقام والای خودش قرار بگیره و ارج نهاده بشه.

محمد ذوالنوری
کانون نوازندگان ایرانی



سالی که گذشت سالی بسیار سخت بود و ارزشمند .
سالی سخت بواسطه خاطرات و پرواز عزیزانی که از کنارمان رفتند، حرفهایی که نگفتیم و اشک شد و به سادگی گذشتیم از آنان که نا امیدمان کردند و در سختی‌ها ترکمان کردند طوری که انگار هرگز نبوده اند!
نیز سالی بسیار ارزشمند بود بواسطه داشتن دوستان و شناخت آنان که ماندند و در سختی‌ها کنارمان بودند و دلیل آرامش مان شدند.

با آرزوی سلامتی و بهروزی هرچه بیشتر برای دوستانم، عزیزان و خانواده موسیقی ایران، با تمام فراز و نشیب‌های گذشته، باز هم دلخوش به امیدهایمان صبوری می‌کنیم، حتما درست می‌شود... همه چیز ... شاید دیر و هر چند دشوار. دوباره بهار می‌شود و از عمق وجودمان جوانه لبخند می‌زنیم .

امید که در سال نو عشق، عدالت، صداقت و مهربانی همه جا سیطره یابد و در پایان امید که دختران سرزمینم همیشه شاد باشند و سبز و آوازشان دلیل حال خوب همه ما شود.

هر روزتان بهار و بهارتان جاودان

نازنین جلالی
کانون خوانندگان کلاسیک



به نظر بنده سال ۱۴۰۲ در انتشار آلبوم موسیقی خیلی موفق نبودیم ولی در اجراهای صحنه‌ای و کنسرت سال موفق و پرباری بود
خصوصا که امسال برای اولین بار بعد از انقلاب در ماه مبارک رمضان بعد از افطار اجراها و کنسرت‌هایی برگزار شد که با استقبال عمومی همراه شد
با آرزوی سالی پربار در عرصه موسیقی

غلامعلی علمشاهی
کانون ناشران

گزارشی از برگزاری چهارمین نمایشگاه سازخانه

زخمه ای بر ساز زن مطرب نوایی سر دهد...

چهارمین نمایشگاه «سازخانه» عصر روز دوشنبه بیست و پنجم دی ماه با حضور و سخنرانی مدیرعامل خانه موسیقی و تعدادی از هنرمندان پیشگام موسیقی ایرانی در تالارهای مختلف خانه هنرمندان ایران آغاز شد.



باشد که به اسم موسیقی، امروز کنار هم در برگزاری یک نمایشگاه مشارکت می کنند. نمایشگاهی که باید قدر هنرمندان شرکت کننده در آن را بدانیم.

این نوازنده پیشکسوت موسیقی ایرانی در بخش دیگری از صحبت های خود ضمن گرامیداشت یاد و خاطره مرحوم محمدرضا شجریان گفت: چقدر خوب که امروز مهمان هنرمندانی هستیم که هر کدام از آنها خالق و آفرینشگر سازهایی هستند که از هر کدام نغمات آسمانی بلند می شود و گویی حال ما را به سمت خداوند سوق می دهد. شرایطی که امیدوارم علاوه بر ویژگی هایی که اشاره کردم، دربرگیرنده شکوه و وحدت و انسجام اهالی موسیقی با یکدیگر باشد.

خوشحالی نوازنده پیشکسوت از ورود خانم ها به

سازسازی

میلااد کیایی نوازنده پیشکسوت سنتورنوازی هم که در مراسم افتتاحیه این نمایشگاه حضور پیدا کرده بود، با قدردانی از برگزارکنندگان این رویداد بیان کرد: امروز که همراه با دوستان هنرمندم در نمایشگاه سازخانه قدم می زدم نظاره گر شکوه برگزاری نمایشگاهی بودم که بانوان هنرمند در عرصه ساخت ساز در آن

چهارمین دوره نمایشگاه «سازخانه» به همت خانه موسیقی ایران و کانون سازندگان ساز در شاخه های سازهای ایرانی، کلاسیک و ابداعی از روز دوشنبه ۲۵ دی ۱۴۰۲ با حضور تعدادی از هنرمندان پیشکسوت موسیقی ایرانی، مدیرعامل خانه موسیقی ایران و علاقه مندان به حوزه ساخت ساز در گالری های خانه هنرمندان ایران کار خود را آغاز کرد.

باید قدر برگزاری این نمایشگاه را بدانیم

داود گنجه ای نوازنده پیشکسوت کمانچه و عضو شورای عالی خانه موسیقی ایران در آیین افتتاحیه نمایشگاه «سازخانه» ضمن قدردانی از دست اندرکاران برگزاری این رویداد توضیح داد: به اعتقاد من عروس همه هنرها موسیقی است و امروز شاهد برگزاری چهارمین دوره از نمایشگاه تخصصی که مزین به ساز موسیقی و نام موسیقی است، هستیم. رویدادی که به همت همه عزیزانم در خانه موسیقی پیش روی مخاطبان و علاقه مندان ژانرهای مختلف موسیقی قرار گرفته است.

وی افزود: نمی دانم این چه رسمی است که هنرمندان ذاتا به هم حسادت می کنند اما من بر این باور هستم که برگزاری چنین رویدادهایی می تواند دربرگیرنده ندای وحدت و همدلی هنرمندانی



حضور فعالی دارند. خانم‌هایی که در عرصه ساز سازی سرشار از نبوغ و استعداد هستند. این را در شرایطی می‌گوییم که در دوران فعالیت ما شاید بانوان نوازنده‌ای را می‌توانستیم در برنامه‌ها و اجراهای مختلف موسیقی ببینیم اما سازنده زن موضوعی نبود که بتوان به راحتی آن را یافت. فضایی که با برگزاری نمایشگاه سازخانه متوجه حضور موثر بانوان هنرمندی شدم که واقعا جای خوشحالی و افتخار است.

وی در ادامه صحبت‌های خود گفت: موضوعی که امروز می‌خواهم به بهانه برگزاری این نمایشگاه درباره آن صحبت کنم به حوزه فروش ساز و البته برخی از فروشندگان ساز برمی‌گردد. امروزه من می‌شنوم که برخی از فروشندگان ساز - تاکید می‌کنم برخی از فروشندگان - به موضوع قیمت‌ها کمی کم توجهی می‌کنند. به عنوان مثال ساز سنتوری که فقط ۵ میلیون تومان ارزش دارد ۲۵ میلیون تومان به فروش می‌رسد. موضوعی که امیدوارم دیگر شاهد این بی‌انصافی‌ها در حوزه فروش ساز نباشیم.

خانه موسیقی را با رادیکالیزم ننگه نداریم!

داریوش پیرنیاکان مدرس، نوازنده تار و رییس هیئت مدیره خانه موسیقی ایران نیز پس از صحبت‌های کیایی ضمن ابراز خرسندی از برگزاری چهارمین دوره نمایشگاه «سازخانه» توضیح داد: وقتی امروز در خانه هنرمندان ایران از غرفه‌های مختلف نمایشگاه سازخانه بازدید کردیم به فرهنگ و هنر کشور، به





حمیدرضا نوربخش مدیرعامل خانه موسیقی ایران هم در بخش دیگری از مراسم افتتاحیه چهارمین نمایشگاه «سازخانه» با قدردانی از محمدمهدی عسگرپور مدیرعامل خانه هنرمندان ایران، حمیدرضا عاطفی مدیراجرایی خانه موسیقی، غزل نهانی مدیرروابط عمومی خانه موسیقی و اعضای کانون سازندگان ساز خانه موسیقی توضیح داد: امروز برگزاری نمایشگاه ساز بهانه‌ای بود تا دوباره شاهد گردهمایی هنرمندان عزیز عرصه موسیقی باشیم. فضایی که به نظرم گردآوری و برگزاری آن با عشق بنا نهاده شده تا در آن صدای سازی شنیده شود. شرایطی که بعد از چندسال گرفتاری در کرونا ما را بار دیگر دور هم جمع کرد تا به واسطه یک رویداد موسیقایی دیداری تازه کنیم و میزبان سازندگان توانمند ساز باشیم. نمایشگاهی که برگزاری آن در این دوره واقعا سخت و به جهت صرف هزینه دربرگیرنده شرایط ویژه‌ای بود.

وی افزود: امسال به جهت ماجرای غرفه‌ها، ناگزیر هزینه‌هایی به گروه‌های شرکت کننده در نمایشگاه تحمیل شد که اصلا دوست نداشتیم چنین فرآیندی اتفاق بیفتد چون قصد ما اختصاص غرفه‌های رایگان برای نمایشگاه بود اما چون خانه هنرمندان ایران از مجموعه‌های وابسته به شهرداری تهران است و با وجود رایزنی‌هایی که هم توسط مدیر خانه هنرمندان و هم بنده صورت گرفت، نتوانستیم شرایطی را برای واگذاری رایگان غرفه‌ها فراهم کنیم. اما بسیار خوشحال هستیم که به واسطه همکاری بسیار صمیمانه شرکت کنندگان و استقبال خوب مخاطبان در روز اول نمایشگاه، شاهد برگزاری رویدادی به بهانه موسیقی در یکی از آبرومندترین، مهم‌ترین و زیباترین مجموعه‌های فرهنگی هنری شهر تهران و حتی ایران هستیم که در تلاش برای روشن

دهیم و با تمام وجودمان خانه موسیقی را نگه داریم. این پاسداری و حراست از یک مجموعه صنفی چون خانه موسیقی هم نه با «رادیکالیزم» که با درایت، تدبیر، تعادل و آینده‌نگری حفظ می‌شود. موضوع بسیار مهمی که بنده از هنرمندان جوان انتظار دارم این است که با تعادل و تدبیر از خانه موسیقی پشتیبانی کنند تا بتوانیم کارهای زیادتری را در این حوزه انجام دهیم.

برگزاری نمایشگاه سازخانه کار ساده‌ای نبود

فریدون شهبازیان آهنگساز، رهبر ارکستر و مدرس پیشگام موسیقی ایرانی نیز در این برنامه گفت: آخرین باری که به این نمایشگاه آمدم به دورانی بازمی‌گردد که کرونا وجود نداشت. شرایطی که بعد از شیوع ماجرای کرونا برگزاری این نمایشگاه را همچون سایر رویدادهای دیگر موسیقی به تعطیلی کشاند و حالا امروز شاهد برگزاری چهارمین دوره آن هستیم. شرایطی که واقعا امروز غبطه خوردم که در کشورمان شاهد حضور هنرمندان توانمندی در عرصه سازسازی هستیم.

وی افزود: می‌دانم که برگزاری این نمایشگاه اصلا کار ساده‌ای نیست. چون برای برپایی چنین رویدادهایی باید زحمت‌های زیادی را متحمل شد. شرایطی که امیدوارم به واسطه همراهی مستمر خانه موسیقی و خانه هنرمندان ایران با یکدیگر شاهد ایجاد یک پایگاه محکم برای معرفی هنرمندان جوان عرصه ساخت ساز بوده و بتوانیم از این شرایط در تولید آثار معتبر بهره‌مند شویم.

دوست داشتیم غرفه‌ها را رایگان در اختیار هنرمندان قرار دهیم اما ...





نگه داشتن چراغ موسیقی است. مدیرعامل خانه موسیقی در پایان صحبت هایش گفت: باز هم تاکید می‌کنم وظیفه ما خدمت‌رسانی رایگان به شما عزیزان بود اما وقتی ناگزیر به پرداخت چنین هزینه‌ای بودیم دیگر چاره‌ای نداشتیم اما امیدوارم به واسطه یک نمایشگاه پر رونق فضای موثری در جهت حمایت از شما عزیزان شرکت‌کننده به وجود آید.

با برگزاری مراسم افتتاحیه چهارمین دوره نمایشگاه «سازخانه» در خانه هنرمندان رسماً افتتاح شد و بازدید برای علاقمندان و عموم مردم آغاز شد.

نمایشگاه «سازخانه» در چهارمین دوره میزبان نشست‌های تخصصی در حوزه موسیقی و ساخت ساز بود که با وجود ناهماهنگی‌هایی از جانب خانه هنرمندان و تغییراتی در برنامه این نشست‌ها با استقبالی بی نظیر برپا شد و دغدغه‌های بسیاری از سازندگان ساز در این نشست‌ها مطرح شد.

نشست‌های «سازهای کوبه‌ای؛ تنبک و دف» و «سازهای آرشه‌ای؛ کمانچه، ویولون و قیچک» از جمله برنامه‌های نمایشگاه «سازخانه» بودند، که به ترتیب در ساعات ۱۵ تا ۱۶:۳۰ و ۱۷ تا ۱۸:۳۰، چهارشنبه ۲۷ دی در سالن استاد امیرخانی خانه هنرمندان ایران برگزار شده‌اند.

امیر همتی، مهرداد کریم‌خاوری، مازیار حیدری، صادق تعریف، رضا ژاله، محمدرضا منشی از جمله چهره‌های مطرح بودند که در کنار جمعی از نوازندگان و شرکت‌کنندگان این بخش، در برنامه «سازهای کوبه‌ای؛ تنبک و دف» حضور داشتند.

بیاض امیر عطایی، سهراب پورناظری و... از جمله چهره‌های مطرح سازهای آرشه‌ای بودند که در کنار جمعی از نوازندگان و شرکت‌کنندگان این بخش، در برنامه «سازهای آرشه‌ای؛ کمانچه، ویولون و قیچک» حضور داشتند.

قالب صحبت‌ها در این دو نشست معطوف به بیان دغدغه‌ها و چالش‌ها در رابطه با ساخت سازهای مختلف بود. در بخش‌هایی از این نشست، حاضرین به صحبت‌های تخصصی در رابطه با سازهای آرشه‌ای و کوبه‌ای پرداختند و چالش‌های ساخت این سازها در دوران کنونی را مورد بررسی قرار دادند. آنها ضمن به

رضا ژاله سازنده پیشکسوت سازهای سنتی ایرانی هم در این مراسم اظهار کرد: امروز که در کنار شما دوستان هستم، یک هزار و پانصد و نهمین ساز خودم را شماره گذاری کردم. فقط به بهانه برگزاری این نمایشگاه یک درخواست از همکارانم دارم. اینکه اگر به سراغتان برای سفارش و خرید ساز می‌آیند به هر طریق ممکن با خریداری که استطاعت چندانی برای خرید ساز ندارد، کنار بیایید و مهربانی را فراموش نکنید.

لطفا در فروش ساز مهربان باشید

بیاض امیر عطایی یکی دیگر از سازندگان پیشکسوت سازهای سنتی هم گفت: من در این مراسم حرفی برای گفتن ندارم فقط لازم می‌دانم از خانه موسیقی برای برگزاری این نمایشگاه قدردانی کنم که باعث شدند سازندگان ساز بعد از مدت‌ها دوباره شاهد گردهمایی در کنار یکدیگر با برگزاری چهارمین دوره نمایشگاه «سازخانه» باشند. البته بعضی‌ها می‌گویند خانه موسیقی تا به امروز چه کرده است؟ که من در پاسخ آنها می‌گویم برگزاری همین نمایشگاه می‌تواند یکی از همان کارهایی باشد که پیش روی مخاطبان قرار گرفته است. من بر این باورم که این مجموعه هرآنچه توانسته را انجام داده و امیدوارم در ادامه راه هم موفق باشد.





آیین پایانی چهارمین دوره نمایشگاه «سازخانه» بعد از ظهر پنجشنبه ۲۸ دی ۱۴۰۲ در سالن استاد شهناز خانه هنرمندان ایران برگزار شد.

در این برنامه از استاد اسدالله فرمانی معروف به گهواره و استاد یوسف پوریا از معروفترین سازندگان تنبور و تار تقدیر به عمل آمد و تندیس خانه موسیقی به آنها اهدا شد.

یوسف پوریا (نوازنده و از سازندگان چیره‌دست ساز تار) پس از دریافت تندیس خانه موسیقی گفت: به همه حاضران به ویژه هنرمندانی که سال‌ها زحمت کشیده‌اند و این موسیقی را ادامه می‌دهند خسته نباشید می‌گوید. همچنین به خانه موسیقی که خانه دوم ماست و اینجا را برپا نگه داشته است، خدا قوت می‌گویم.

او افزود: همین الان شخصیت‌هایی چون استاد پیرنیاکان را می‌بینم که استاد بنده هم هستن و دست ایشان را می‌بوسم. همچنین اساتید دیگری نیز در این مراسم حضور دارند که واقعا از این خانه دفاع می‌کنند. دست همه هنرمندان را می‌بوسم.

در بخش دیگری از این مراسم از فاطمه طاحونه (سازنده ساز عود) و بهاره حسین‌زاده (سازنده ساز کمانچه) که به عنوان بانوان سازنده ساز سال‌هاست در عرصه ساخت ساز به فعالیت مشغول هستند، به عنوان برگزیدگان چهارمین نمایشگاه «سازخانه» تقدیر به عمل آمد.

همچنین از حمیرا اکبری (سازنده ساز ویولن) نیز به عنوان جوان‌ترین بانوی شرکت‌کننده در این نمایشگاه تقدیر به عمل آمد. و با معرفی این افراد دفتر چهارمین دوره نمایشگاه «سازخانه» بسته شد.

امید که دوره‌های آتی با همراهی تعداد بیشتر از سازندگان ساز برگزار شود.

اشتراک گذاشتن تجربیات خود با یکدیگر، نسبت به متریالی که اکنون برای ساخت سازها موجود است گلایه کرده و خواهان پیگیری برای دریافت مواد بهتر شدند.

چهارمین دوره نمایشگاه «سازخانه» در سال ۱۴۰۲ میزبان بانوان سازنده ساز بود و حضور خانم‌ها در این دوره حال و هوایی متفاوت را برای این نمایشگاه رقم زد.

این حضور باعث شد تا خانه موسیقی با انتشار متنی از حضور تمامی بانوان سازنده ساز تشکر کرده و مراتب قدردانی خود را اعلام کند.

متن منتشر شده به شرح زیر بود:

در پی برگزاری چهارمین دوره «نمایشگاه» سازخانه و حضور موثر بانوان سازنده ساز در این دوره از نمایشگاه، خانه موسیقی ایران و هیئت اجرایی نمایشگاه بر خود لازم و واجب می‌داند که قدردان تمامی بانوان شرکت‌کننده در این رویداد فرهنگی باشد. حضور موثر زنان در عرصه ساخت ساز بی شک نوید بخش روزهایی پر امید برای این عرصه خواهد بود.

هیئت اجرایی چهارمین دوره نمایشگاه «سازخانه» مراتب تقدیر و تشکر خود از خانم‌ها: سارا جلیلی، حمیرا اکبری، مریم سورنا مهر، نسیم صهباء، شکوفه فیاضی، مینا قلیجان، ساناز ملک پور، الهام امیرعطایی، ناهید نامی خواه و بانوان حاضر در غرفه ضیایی (سوده مفیدی، ارغوان پورقناد، ندا اسدی نژاد) را اعلام می‌دارد.

همچنین در این دوره از نمایشگاه «سازخانه» بعد از بررسی هیئت اجرایی بهترین غرفه این نمایشگاه هم انتخاب شد. با جمع بندی نظرات بازدیدکنندگان از چهارمین دوره نمایشگاه «سازخانه» غرفه «ضیایی

“(reza ziaei workshop) با مدیریت رضا ضیایی و بالاترین آرا به عنوان غرفه برتر نمایشگاه سازخانه انتخاب شد.

این غرفه که به صورت کارگاه تخصصی برای ساخت ویولن و ادوات مربوط به این ساز طراحی شده بود، به دلیل خلاقیت، چیدمان متفاوت، برخورد محترمانه با مخاطبان و... به عنوان غرفه برتر چهارمین نمایشگاه «سازخانه» برگزیده شد.

اما از آنجایی که هر آغازی چشم به راه پایانی است، نمایشگاه «سازخانه» هم بعد از طی چند روز به لحظه آخر و مراسم پایانی رسید.



آموختیم که در همه ایام عمر بیاموزیم

سومین دوره کارگاه‌های تخصصی و آموزشی خانه موسیقی برگزار شد و پرونده این فصل آموزشی در سال ۱۴۰۲ بسته شد.

در ابتدا و زمانی که بحث آموزش برای آنهایی که دسترسی به تعداد زیادی از اساتید نداشتند و ساکن شهرستان بودند موضوع مستر کلاس‌ها مطرح شد، کمتر کسی باور می‌کرد این ایده اجرایی شود...

اما به همت مسئولان خانه موسیقی و تعداد زیادی از اساتید صاحب نام، این ایده اجرایی شد و سه دوره کارگاه با موضوعات متفاوت در خانه موسیقی برگزار شد.

چه آن دسته از جلساتی که صرفاً بحث‌هایی تئوری باشند، چه آن دسته از کارگاه‌های عملی و چه آن دوره‌هایی که تلفیقی از اجرائیات و بحث‌ها را لازم داشتند.

داشتند.

در این دوره مباحثی مانند:

- کارگاه تخصصی دف نوازی (اصول دف نوازی در ارکستر و تکنیک‌های تکنوازی)

- کارگاه تخصصی گیتار کلاسیک (اجرا و تحلیل برخی قطعات با در نظر گرفتن تکنیک صحیح، تفسیر قطعات،

در سومین دوره این کارگاه‌ها که از ۲ بهمن ماه شروع شد و تا ۲۵ بهمن ماه ادامه داشت استادانی همچون داریوش پیرنیاکان، مسعود شعاری، فریدون شهبازیان، پویان آزاده، نوید افقه، مهرداد پاکباز، مسعود حبیبی، سیامک جهانگیری و مرتضی حافظی حضور





البته هدف گذاری خانه موسیقی بر همین امر است که دوره‌های متنوع تر و منسجم تری در آینده با موضوعات متفاوت برگزار شود و چرخه آموزش در همه ایام سال ادامه داشته باشد. در سال‌های گذشته در بسیاری از حیطه‌های هنری مانند تئاتر، سینما، موسیقی و .. بزرگان و پیشکسوتانی را از دست داده ایم و این عبارت را به کرات شنیده ایم:

«کاش شاگردانی از جنس خود تربیت می کردند»

و بعدتر دیده‌ایم که به عنوان مثال گونه‌ای از تئاتر کم رنگ شده و یا ساخت سازی آرام آرام فراموش شده است. چه بسیار فرصت‌هایی که برای تربیت نسلی نو از میان رفت و چه لحظه‌های که به فراموشی سپرده شد.

از این که بگذریم همین روزها دانشجویانی هستند که دروس دانشگاهی در رشته موسیقی جابجایی عطف آنها نیست و نیاز است بیشتر بدانند و بیشتر ببینند و این امر مستلزم ایجاد یک بستر آموزشی مناسب و صحیح و کارشناسی شده است.

طبیعتاً مشاهده تمام این نیازها و گفت و گوهای مدیران خانه موسیقی با دانشجویان و هنرجویان موسیقی بحث آموزش را بیشتر از هر زمان دیگری مهم جلوه داد و در نهایت این دوره‌های آموزشی شکل گرفت، شروع شد و ادامه خواهد داشت.

گفتنی است که در بسیاری از این دوره‌ها جوانان پیشرو در حوزه موسیقی که آثاری گران بها خلق کرده اند می‌توانند تجربیات خود را به نسل بعد ارائه دهند.

بی تردید این دوره‌ها نسلی تازه و مملو از خلاقیت به دنیای موسیقی معرفی می‌کند که همه می‌دانیم این امر مستلزم صبر و پیوستگی و ممارست در امر آموزش است.

داینامیک‌ها، موزیکالیت، سونوریت و بررسی شیوه صحیح تمرین) - کارگاه تخصصی پداگوژی پیانو (روش‌ها و چالش‌های آموزش)

- کارگاه تخصصی تنبک (مبانی ریتم و تنبک نوازی)

- کارگاه تخصصی بداهه پردازی و جواب آواز

- کارگاه تخصصی سه تار (مبانی بداهه پردازی سه تار و شناخت پایه‌ای گوشه‌ها

و عناوینی دیگر مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

از جمله مهم ترین دستاوردهای این کارگاه‌ها شرکت بسیاری از هنرجویان ساکن در شهرستان و یا خارج از کشور در این دوره‌ها بود که البته شرایط نامساعد اینترنتی کشور که گاه روند برپایی این دوره‌ها را بسیار دشوار تر از همیشه می‌نمود که با همکاری شرکت کنندگان این مشکلات هم مرتفع می‌شد.

بسیاری از علاقمندان موسیقی که سالهاست خارج از ایران زندگی می‌کنند و یا بسیاری از استعدادهایی که امکان رفت و آمد به تهران را ندارند با شرکت در این کارگاه‌ها توانستند دانش خود در مورد موسیقی را تا حدود زیادی اعتلا دهند و پرسش‌های خود را از اساتید مطرح کنند.

ما بر این باوریم که گفت و گو در فضای موسیقی ما به ندرت اتفاق می‌افتد و این گفت و گوهای آموزشی و تخصصی می‌تواند برای بسیاری از علاقمندان راهگشا باشد.

مدرسانی که در این کارگاه‌ها حضور داشتند این دوره‌ها را مثبت و با نتایج ارزنده ارزیابی کردند و بسیار معتقد بودند ادامه این دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی و استمرار آن می‌تواند نتایج بسیار خوبی در عرصه موسیقی به همراه داشته باشد.



گزارشی از مراسم تشییع و خاکسپاری جمشید عندلیبی

بدرقه ای شکوهمند



مراسم تشییع و خاکسپاری جمشید عندلیبی آهنگساز و نوازنده فقید عرصه نی نوازی روز جمعه هجدهم اسفند ماه با حضور پرشکوه علاقه مندان به موسیقی در قطعه هنرمندان بهشت زهرا (س) برگزار شد.

مظلومانه در جایی ایستاده بود. رفتیم و او را بوسیدیم و احوالش را پرسیدیم. همان جا بود که احساس کردم انزوا گزیده است و حالا امروز در مراسم خاکسپاری او حضور داریم. به اعتقاد من اینها نشانه‌ای است که تا وقتی زنده‌ایم احوال هم را بپرسیم تا در آینده حسرت نخوریم. چون این حسرت‌ها دیگر هیچ تأثیری ندارد جز اینکه فقط دل‌تنگی‌هایمان را سبک‌تر کند که آن هم بعید می‌دانم. این خواننده موسیقی ایرانی ضمن عرض تسلیت به خانواده عندلیبی تصریح کرد: امیدوارم شرایط به گونه‌ای رقم بخورد که شاهد روزهای روشن و شکوفایی در موسیقی باشیم تا هنرمندان دیگر انزوا نداشته باشند. ما اکنون در شرایطی هستیم که جوانان ما با موسیقی جدی فاصله گرفته‌اند و این درد بزرگی است که نشان از اهمیت حضور هنرمندان پیشکسوت و ارزنده موسیقی ایران در صحنه‌های اجرا دارد.

نوربخش افزود: جمشید عندلیبی در اوج خانه نشین شد و این یک درد بزرگ است. هنرمندانی چون جمشید عندلیبی باید روی صحنه باشند و اینکه چرا نیستند پرسشی است که باید به آن جواب بدهیم. هنرمندانی چون مرحوم عندلیبی در اوج تجربه و پختگی هستند و این یک هشدار جدی است که کاری کنیم تا

به گزارش خانه موسیقی ایران، آیین تشییع و خاکسپاری مرحوم جمشید عندلیبی آهنگساز و نوازنده پیشگام عرصه نی نوازی روز جمعه هجدهم اسفند ماه در قطعه هنرمندان بهشت زهرا (س) تهران با حضور تعدادی کثیری از هنرمندان و دوستان این هنرمند پیشکسوت برگزار شد.

در ابتدای این برنامه گروهی از هنرمندان دف نواز اهل کردستان در قالب یک آیین ویژه دف نوازی پیکر مرحوم جمشید عندلیبی را به سمت محل خاکسپاری مشایعت کردند.

جمشید عندلیبی در اوج خانه نشین شد

حمیدرضا نوربخش مدیرعامل خانه موسیقی در آغاز مراسم خاکسپاری مرحوم عندلیبی گفت: امروز در سوگ هنرمندی محجوب، محبوب و مظلوم هستیم که خدمات قابل توجهی را در حوزه موسیقی ایرانی انجام داده است و ای کاش همانند آنچه در ادبیات فارسی گفته می‌شود تا زمانی زنده هستیم قدر هم را بدانیم. وی افزود: چه کسی باورش می‌شد که جمشید عزیز را این چنین ناگهانی از دست بدهیم؟ همین ۲ ماه پیش بود که در مراسم خاکسپاری مرحوم محسن افتاده که در اینجا برگزار شد جمشید

چنین هنرمندانی در دوران شکوفایی حضور در صحنه‌های اجرا را تجربه کنند.

در فقدان هنرمندی که به خودش نپرداخت

داریوش پیرنیاکان نوازنده پیشکسوت عرصه تار نوازی و سخنگوی هیئت مدیره خانه موسیقی هم در این مراسم اظهار کرد: حتی در خیالم هم فکر نمی‌کردم روزی بخوام در فقدان جمشید عندلیبی حرف بزنم. من و جمشید بیش از بیست سال کنار هم بودیم. او در کنار هنرمندانی چون مرحوم شجریان و بسیاری دیگر فعالیت‌های ارزنده‌ای را در موسیقی انجام داد. فعالیت‌هایی که بسیاری از آنها در این ۲ روز از جلوی چشمان عبور می‌کرد. وی افزود: جمشید عندلیبی از جمله هنرمندانی بود که قلب بسیار آرام و صافی داشت و شاید به دلیل همین صافی و زلالی بود که از طرف برخی‌ها بلاهای زیادی را متحمل شد. او هیچ وقت به خودش نپرداخت و شاید برخی از اطرافیان او اجازه ندادند تا او به خودش بپردازد. جمشید عندلیبی از جمله هنرمندانی بود که در زمان پختگی خانه نشین شد.

این نوازنده و مدرس موسیقی در ادامه صحبت‌های خود با انتقاد از شرایط فعلی تولید و عرضه آثار موسیقایی گفت: متأسفانه موسیقی امروز بیشتر شبیه یک شو شده است. اتفاقاً همین شرایط است که موجب خانه نشینی هنرمندان می‌شود. شرایطی که در آن خبری از موسیقی اندیشه محور نیست و هنرمندان متعالی خانه نشین شدند؛ مسیری که نمی‌دانم تا چه زمانی می‌خواهد ادامه داشته باشند. اصلاً چرا باید هنرمندی چون جمشید عندلیبی در این سن و سال سخته کند؟

پیرنیاکان درباره ویژگی‌های هنری مرحوم عندلیبی هم گفت: در مدت بیست‌سالی که با جمشید کار می‌کردم اغلب اجراهای زنده در قالب آلبوم هم پیش روی مخاطبان قرار گرفت. فرآیندی که موزیسین‌ها می‌دانند در این شرایط نی‌نواز نباید حتی یک مقدار کوچک کوک را به شکل دیگری اجرا کند و این برای سازی چون نی کار بسیار سختی است. فرآیندی که جمشید عندلیبی به درست‌ترین شکل ممکن آن را بلد بود.

پس از صحبت‌های پیرنیاکان، شاهو عندلیبی نوازنده نی و محمد هاشم احمدوند خواننده قطعاتی را در سوگ مرحوم عندلیبی اجرا کردند.

جمشید عندلیبی نهنگی در اقیانوس موسیقی بود

محمدجلیل عندلیبی آهنگساز پیشکسوت موسیقی ایرانی نیز در این مراسم گفت: جمشید عندلیبی متعلق به ایران و کردستان است. جمشید از نگاه من نهنگی در دریای موسیقی بود که امروز

در فقدان مرگ او کنار هم ایستاده ایم.

وی افزود: سال ۱۳۵۴ که دانشجوی موسیقی دانشکده هنرهای زیبا بودم جمشید در سنجند آکاردئون می‌نواخت. من در تهران از استاد محمدعلی کیانی نژاد یک نی گرفتم و آن را به جمشید هدیه دادم و گفتم این ساز را بزنی بهتر است. باور کنید او ۶ ماه تلاش کرد تا بتواند بالاخره صدای نی را در آورد و این برای من نشانه‌ای از اراده پولادینی بود که فقط آن را در جمشید دیدم.

عندلیبی تصریح کرد: جمشید عندلیبی پاییز نزار را به بهار نزار تبدیل کرد. او می‌گفت ساز نی جادو دارد و به همین دلیل بود که به واسطه هنرنمایی اش بهترین آثار را خلق کرد.

پس از صحبت‌های عندلیبی و در بخش پایانی مراسم متنی از طرف دختران مرحوم جمشید عندلیبی که در خارج از ایران حضور داشتند برای مخاطبان خوانده شد.

مرحوم جمشید عندلیبی از جمله نوازندگان شناخته شده عرصه نی نوازی بود که نواختن ساز نی را ابتدا بدون استاد فرا گرفت و سپس با حضور در دانشگاه تهران و آشنایی با حسین عمومی به ادامه فراگیری تکنیک‌های این ساز پرداخت. وی ردیف موسیقی ایرانی را نزد هنرمندانی چون نصرالله ناصح پور، نورعلی برومند و محمدرضا لطفی فرا گرفت و در سال ۱۳۶۰ بود که برای تکمیل تکنیک‌های پیشرفته نوازندگی نی به نزد حسن کسایی در اصفهان رفت.

این هنرمند فقید موسیقی ایرانی در طول زندگی خود علاوه بر تولید چندین اثر موسیقایی در پروژه‌هایی چون «بیداد»، «نوا»، «دستان»، «دود عود»، «آسمان عشق»، «یاد ایام»، «رسوای دل»، «پیام نسیم»، «دل مجنون»، «سروچمان» همکاری داشته است. وی علاوه بر نوازندگی در کار آهنگسازی نیز فعال بود و آلبوم‌های «میهمان تو»، «پاییز نزار» و «مونس جان» از جمله فعالیت‌های او در زمینه آهنگسازی است.

عندلیبی همچنین قطعات ابوالحسن صبا را با نی و به صورت ردیف آموزشی تنظیم و نواخته‌است. این در حالی است که تک نوازی نی پروژه ماندگار «نی نوا» اثر حسین علیزاده هم به عهده مرحوم عندلیبی بوده که بسیاری از مخاطبان موسیقی این هنرمند را با چنین اثر معتبری می‌شناسند.

موسیقی «نی نوا» از جمله ملودی‌های معتبر و ارزشمند تاریخ موسیقی ایران زمین است که به واسطه حضور هنرمندانی چون حسین علیزاده با خلاقیت و استادی منحصر به فرد و جمشید عندلیبی با تک نوازی سحرانگیزی که در حوزه نی نوازی انجام داده و همچنین جمعی دیگر از نوازندگان شاخص موسیقی کشورمان توانست جایگاه رفیعی میان مخاطبان پیدا کند.

برپایی جشنواره‌های امید بخش

پنجمین دوره جشنواره موسیقی «امیرجاهد» با فراز و نشیب‌های فراوان برگزار شد و دفتر این دوره بسته شد. این دوره از این جشنواره در حالی برگزار شد که سال گذشته به دلیل اتفاقات اجتماعی برگزاری این رویداد لغو شد و امسال دو دوره از این جشنواره برپا شد.



از روند برگزاری جشنواره دعوت کرد. در ادامه آرش فرهنگ‌فر (نوازنده و مدرس تمبک) به نمایندگی از هیئت داوران روی صحنه آمد و بیانیه هیئت انتخاب را قرائت کرد.

بخش بعدی مراسم تجلیل از هیئت داوران بود که متشکل بودند از آندره مرادیان، آذر هاشمی، هادی منتظری، بهنام وادانی، داوود یاسری، محمد مقدسی، آرش فرهنگ‌فر، سعید خرمشاهی، امیرپدرام طاهریان، مهرداد کریم‌خاوری، آرام روحانی و پویا سربابی که هدایایشان توسط محمد الهیاری (مدیرکل دفتر موسیقی)، امیرعباس ستایشگر (مدیرعامل انجمن موسیقی ایران)، حمیدرضا عاطفی (دبیر هنری) و مهدی مساح بیدگلی (دبیر اجرایی) به استادان تقدیم شد.

برگزیدگان رتبه اول بخش تک‌نوازی عبارت بودند از:

دف: رده سنی الف: درناز پرورده، رده سنی ب: سارا جان‌نثاری، ریحانه اسکندری و پرهام افضل

تیمبک: رده سنی الف: درناز پرورده و پرنیان زاهدی مقدم، رده سنی ب: امیر کریمی، مانی وکیلی و نفس خرمیان، رده سنی ج: بهار پنجه‌پور و رضا خجسته، رده سنی د: محمدعلی رفیعیان، رده سنی ه: سینا فرزازی‌راد

تار: رده سنی الف: سنا نیازی

سه‌تار: رده سنی الف: میلاد عسگری

جشنواره موسیقی «امیرجاهد» که در گروه‌های سنی متفاوت میزبان علاقمندان است این بار هم شاهد هنرنمایی استعدادداهای بی نظیر در رشته‌ها و رده‌های متفاوت بود.

بسیاری از داوران و کارشناسان با دیدن هنرنمایی گروه‌های سنی کودک و نوجوان لب به تحسین باز کرده و دلخوش به آینده موسیقی با حضور این هنرجویان نوپا شدند.

چهارمین و پنجمین دوره جشنواره موسیقی استاد امیرجاهد بنا بر تصمیم برگزارکنندگان این جشنواره به همت خانه‌موزه دکتر معین و استاد امیرجاهد، خانه موسیقی ایران و برج آزادی با مجوز دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به صورت همزمان از ۱۱ تا ۲۶ آبان‌ماه امسال در سالن برج آزادی تهران، خانه‌موزه استاد امیرجاهد، و سرای ابوذر برگزار شد.

آیین اختتامیه پنجمین جشنواره موسیقی «امیرجاهد» جمعه یکم دی‌ماه با حضور بزرگان عرصه موسیقی و فرهنگ و هنر و مسئولان فرهنگی‌هنری در سالن اصلی برج آزادی برگزار شد. در ادامه گزارش آیین پایانی این رویداد را می‌توانید مطالعه کنید و با برگزیدگان آشنا شوید:

در ابتدای مراسم اختتامیه گروه موسیقی «سارکوب» به سرپرستی مسعود صالح‌آبادی متشکل از ۱۷ نوازنده سازهای کوبه‌ای از کاشان روی صحنه رفتند. سپس سیدعباس سجادی (مجری برنامه) ضمن خوش‌آمدگویی، حضار را به دیدن کلیبی



برگزیدگان رتبه سوم بخش تکنوازی:

دف: رده سنی ب: رژینا شهرابی فراهانی
تمبک: رده سنی الف: محمدرشیا پاشا، پارسا اسفندیاری، رده سنی د: نگار زرگر
تار: رده سنی الف: یسنا رسولزاده
سنتور: رده سنی الف: فاطمه نصیری، رده سنی ب: زهره یامی
پیانو: رده سنی الف: صبا حسینعلی، علیسان دولت‌آبادی، رده سنی ب: احسان گودرزی، محمد منصوری، سوگل تبریزی، اقلیما طیبسی، رده سنی ج: کاوه عبدالرحیمی، محمدپارسا فوژان‌پور
گیتار: رده سنی الف: پرهام فلاحتی مروست، پرنیا قهرمانی رده سنی ب: زیبا نعمتی

نفرات شایسته تقدیر:

دف: رده سنی ب: مانی و کیلی، رده سنی ج: پرستو تیوراد و بهار پنجه‌پور، رده سنی د: سارا جان‌نثاری
تمبک: رده سنی الف: طاها آقامحمدی و محمدصدرا ناطقی، رده سنی ب: پریا سیاح‌منش، رده سنی ج: یزدان خاکزادقمی، رده سنی د: زهره خانیان
تار: رده سنی ب: آوا خالدی و علیرضا حسین‌خانی
سه تار: رده سنی الف: بارانا قربانی، رده سنی ب: سروش براتی، رده سنی ج: سیدعلی حسینی، رده سنی د: محمدحسین برقی و سروش براتی
عود: رده سنی الف: آوا پریشانی
قانون: رده سنی ج: بهار پنجه‌پور
کمانچه: رده سنی ه: مرتضی قدسی
آواز: رده سنی الف: امیرعلی دانشی، رده سنی ه: علی فهادان
سنتور: رده سنی الف: رونیکا استادرحیمی، رده سنی د: معراج‌خانی مزرعه‌عسگری
پیانو: رده سنی الف: مهسا عسگری، رده سنی ب: سهیل زنجیر، آنوشا استیری، فاطمه شاقلی و درسا محمودی، رده سنی ج: ایلیا شاکری بزرگ، حنا داودآبادی و پرنیان عسگری، رده سنی د: احمد جعفری پوری و محمد منصوری، رده سنی ه: منیره رضاپور
فلوت ریکورد: رده سنی الف: آوا علیزاده
کیبورد: رده سنی الف: دینا ثمری، رده سنی ب: امیررضا علی‌مردانی



تک‌خوانی: رده سنی ب: امیرعلی دانشی، رده سنی د: احمدرضا محمدیان رسانی
سنتور: رده سنی الف: کوروش تقی‌خان، رده سنی ب: مهدی نجاتی آزاد و فاطمه خضری، رده سنی ج: محمدحسین رضوی نصر
پیانو: رده سنی الف: نگار آشوری، علیرضا استرکی، سلین جعفری‌پور و رزا فراهانی، رده سنی ب: نازنین خالقی فرد و ایلیا گلزار، رده سنی ج: امیرحسین اعلا
نی: علی شیخ
ویولن: باربد کرمی و غزاله نیکپی
گیتار: رده سنی الف: گلسا ابراهیمی، رده سنی ب: محمدمتین نیک‌ف

برگزیدگان رتبه دوم:

دف: رده سنی الف: ریحانه اسکندری، رده سنی ب: امیر کریمی
تمبک: رده سنی الف: آرشیدا تقی‌خان و رادمهر اکبرزادگان، رده سنی ج: پانید صیاد، رده سنی د: مبینا سیادت‌پور، رده سنی ه: مژگان هاشمی
تار: رده سنی الف: علیرضا حسین‌خانی
سنتور: رده سنی الف: فاطمه خضری، رده سنی ب: امیرعلی عالی‌زاده
پیانو: رده سنی الف: فاطمه شاقلی و ترنم کُرد و زهرا مهاجری (دوم مشترک)، رده سنی ب: علیرضا صیاد و شیما سعیدی، رده سنی ج: هلیا دشت‌پیما
گیتار: رده سنی الف: امیرعلی تاج‌شمع، رده سنی ب: سهیل رنجبر





کودک و نوجوان در حوزه موسیقی برگزار می‌شود که جشنواره موسیقی امیرجاهد یکی از این جشنواره‌ها می‌باشد. همچنین جایزه مرحوم همایون خرم نیز در سال‌های گذشته برگزار می‌شد که متأسفانه حدود دو سال است که این مراسم برگزار نمی‌شود. ضمن اینکه جشنواره ملی موسیقی جوان نیز هر ساله عمدتاً با محوریت تکنوازی برگزار می‌شود. این جشنواره‌ها باید در کنار هم یک مجموعه رنگارنگی را به‌وجود بیاورند و توسعه پیدا کنند و تا جایی که ممکن است از هنرمندان موسیقی تقدیر و تجلیل به عمل بیاوریم. مهم‌تر از همه اینکه بتوانیم کودکان و نوجوانان مستعد را شناسایی کنیم و انشاالله پرچمداران آینده موسیقی کشور باشند.»

مدیر دفتر موسیقی وزارت ارشاد همچنین افزود: «آمدگی خود را به دوستان عزیزمان در هیئت مدیره خانه‌موزه دکتر معین و استاد امیرجاهد، خانه موسیقی ایران، شهرداری تهران و سایر ارگان‌ها اعلام می‌کنیم که انجمن موسیقی ایران نیز برای دوره آتی این جشنواره یار و مدد رسان برای برگزاری این جشنواره خواهد بود. در همین دوره نیز هدایایی به نفرات برگزیده از طرف ما اهدا می‌شود. ضمن اینکه چنانچه مسئولان برگزاری این جشنواره مایل باشند، می‌توانیم در جشنواره موسیقی فجر شبی را تحت عنوان «شب استاد امیرجاهد» داشته باشیم و برگزیدگان جشنواره امسال به مدت یک شب و به صورت خاص و ویژه اجرایی را در جشنواره موسیقی فجر داشته باشند.»

الهیاری در پایان خاطرنشان کرد: «بنده به تمامی برگزیدگان این جشنواره و خانواده‌هایشان تبریک عرض می‌کنم و برای همگی این عزیزان آرزوی سلامتی و موفقیت دارم.»

اجرای سه قطعه از گروه موسیقی امیرجاهد (آواز: علی یاری‌پور، تار: حسین روزبهانی، مهدی مساح بیدگلی، سنتور: سجاد خانقاهی، دف: مرتضی میر، عود: فرنوش تدین، ویولنسل: میترا زلفی، کمانچه: محسن عبدالکریمی، تمبک: مصطفی محرمی) از دیگر بخش‌های اختتامیه بود. سپس برگزیدگان بخش دونوازی و گروه‌نوازی معرفی شدند:

برگزیدگان رتبه اول بخش دونوازی و گروه‌نوازی:

سازهای کلاسیک ایرانی:

رده سنی الف: سیدعلی قنبری جمال‌الدین و ریحانه شگری
 رده سنی ج: زینب بابایی فرد، مانسی و کیلی، بهار پنجه‌پور و کارن احمدی

ویولن: رده سنی ب: کسری قربانی، رده سنی ج: امین غفاری خضری

گیتار: رده سنی الف: کیان ابو، ریحانه زاهدی رودپشتی، دیانا امیری‌فرد و آدلینا حیدری، رده سنی ب: زهرا دلاورپور مقدم، امیرعلی انوری، ماندانا جوانمرد، پارسا شکوفه‌آبکنار، ماهان سریع، و امیرعلی تاج‌شمع، رده سنی ج: زیبا نعمتی، رده سنی د: امیرحسین صادقی و علی سیفی

ویولنسل: رده سنی الف: آرتین نیکانندیش

بعد از اهدای جوایز بخش تکنوازی، کلیبی از زنده‌یاد استاد محمد اسماعیلی (داور مرحله اول جشنواره و عضو شورای سیاست‌گذاری دوره چهارم) پخش شد و ایلینا گلزار (برگزیده بخش تکنوازی) به اجرای پیانو پرداخت.

در ادامه محمد الهیاری مدیر دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به دعوت مجری برنامه دقایقی به صحبت پرداخت و گفت: «در برگزاری این جشنواره دفتر موسیقی و انجمن موسیقی ایران مشارکت مستقیم نداشته و به دعوت و محبت هیئت محترم داوران و همین‌طور عزیزان در خانه موسیقی امشب در اختتامیه جشنواره موسیقی امیرجاهد حضور یافتیم. در گفتگویی که امشب با استاد هادی منتظری داور این جشنواره داشتیم، در این نظر هم رأی بودیم که در ایران جشنواره‌ها و جوایز موسیقی باید توسعه یابد. باید تعداد این جشنواره‌ها افزایش پیدا کند، خصوصاً جشنواره‌های مختص هنرمندان نسل نوجوان و جوان و این عزیزان لازم است به‌وفور روی صحنه بیایند و اجراهای خودشان را انجام دهند و توسط اساتید مورد تقدیر قرار بگیرند.»

وی ادامه داد: «در حال حاضر در کشور تعدادی جشنواره





شایسته تقدیر، دونوازی سازهای کلاسیک ایرانی:
 رده سنی الف: پریا عقیلی، امیرعلی قاسمی رده سنی ب:
 امیرمحمد خالوزاده، امیرعلی خالوزاده، علی انصاری، غزل برزگر،
 پویا بحری، محمدپارسا افشار رده سنی ج: بهار بصیرت، بهار
 پنجه‌پور

شایسته تقدیر، اجرای گروهی سازهای کلاسیک ایرانی:

گروه چهارمضراب به سرپرستی محمدبایسن حاتمی، خلاصه
 چون به سرپرستی رامین شاهین کار، سرو آزاد به سرپرستی محمد
 طریقت

شایسته تقدیر، اجرای گروهی سازهای پاپ و کلاسیک:

گروه آما به سرپرستی پارسا شکوفه‌آبکنار
 استعدادهای درخشان: بهار پنجه‌پور، کارن احمدی و نفس
 خرمیان.

در ادامه برنامه پیام حمیدرضا نوربخش (مدیرعامل خانه
 موسیقی) به صورت تصویری پخش شد که در آن از کیفیت
 بالای برگزاری جشنواره در طول این مدت اشاره کرد و در
 خاتمه از تمامی عوامل اجرایی جشنواره، شورای سیاست‌گذاری، و
 بخصوص تشکر ویژه‌ای از خانه موزه دکتر معین و استاد امیرجاهد
 و مدیران آن آقایان مهدی مساح بیدگلی (دبیر اجرایی جشنواره) و
 مهدی سبحانی (قائم مقام جشنواره) کرد.

در انتهای برنامه عباس سجادی ضمن تبریک به برگزیدگان
 اعلام کرد: اسامی افرادی که به عنوان استعدادهای درخشان
 خوانده شده از یک بسته حمایتی برخوردار خواهند بود که این
 بسته شامل: عضویت در خانه موسیقی ایران، آموزش رایگان ساز
 تخصصی به مدت یک سال، امکان شرکت به صورت رایگان
 در سمینارها و کارگاه‌های تخصصی خانه موسیقی ایران و خانه
 موزه امیرجاهد به مدت یک سال، ضبط و نشر کلیپ موسیقی به
 صورت فصلی به مدت یک سال و ارائه کتب آموزشی در زمینه
 تخصصی به صورت رایگان به مدت یک سال است. همچنین
 انجمن موسیقی ایران به هریک از آنها مبلغ ۱۰ میلیون تومان
 تقدیم خواهد کرد.



رده سنی د: جلال خالقی، امیرحسین شامی‌زاده محرمی،
 فرهاد ابراهیم‌خانی و شقایق محمدی
 سازهای کوبه‌ای: گروه سارکوب به سرپرستی مسعود
 صالح‌آبادی
 اجرای گروهی سازهای کلاسیک ایرانی: گروه رهام به
 سرپرستی بهزاد رضاپور گلشنی

برگزیدگان رتبه دوم و سوم بخش دونوازی و گروه‌نوازی:

سازهای کلاسیک ایرانی:

رده سنی ج: امیر کریمی، مانی کریمی، هیوا کرباسی و ایلیا
 صلواتی، رده سنی د: امین ابراهیمی و شایان آدینه‌زاده
 در بخش گروه‌نوازی، گروه آوینا به سرپرستی سیده‌مریم
 گل‌سرخ رتبه دوم، و رتبه سوم در این بخش مشترک به گروه
 «ضرب‌کوب» به سرپرستی علی فخاری‌مبارکه و گروه «سایه‌ها»
 به سرپرستی محمد طریقت تعلق گرفت.

شایسته تقدیر، بخش دونوازی سازهای کوبه‌ای:

رده سنی الف: برسام صوفی، امیرعلی حکاک رده سنی ب:
 ترنم طالبیان، آسان محمد اسمعیلی
 شایسته تقدیر، بخش دونوازی سازهای پاپ و کلاسیک:
 رده سنی ب: آنتینا نوری‌نژاد، آیدین آرام جان رده سنی ج: هاله
 دوستی، هلیا دوستی، زهره صادق‌زاده، فرناز عباس‌زاده رده سنی د:
 زیبا نعمتی، زهرا دلاورپورمقدم





دکتر کیوان پهلوان
پژوهشگر موسیقی

مکتب به ویژه در موسیقی چیست؟



نهضت، جریان، پارادایم و ... به خاطر این است که متاسفانه جامعه موسیقی در ایران با عدم آگاهی به تعاریف مفاهیم پایه، مکتب و یا سبک را در مصداق‌هایی به کار می‌برند که عمدتاً دچار مشکل و تضادهای اساسی هستند. برای مکتب تعاریف گوناگونی در کتب و دایره‌المعارف‌های فلسفی و هنری صورت گرفته که در اینجا نگاهی فشرده به شالوده‌ای از آنها داریم. مکتب را می‌توانیم معطوف به کشور، شهر و یا سرزمین خاستگاه اثر هنری در نظر بگیریم. گاهی مکتب به سبک مسلط بر دوره‌ای اطلاق می‌شود. در معنی دیگر در مورد شاگردان یا پیروان یک هنرمند خاص به کار می‌رود. همچنین مکتب برای کاربرد درست خود باید ویژگی‌هایی داشته باشد که برخی از آنها عبارتند از:

مکتب باید مجموعه‌ای جامع، منسجم و سیستماتیک باشد.

اجزای آن هماهنگ و نظام مند باشد.

یک نوع تفکر واحد در آن دیده شود.

دارای ترمینولوژی و اصطلاح‌شناسی خاص خود باشد.

متد و روش‌شناسی آن تبیین شده باشد.

دارای پیروان و دنبال‌کنندگانی باشد؛ اما سبک در اصطلاح به خصلت‌های صوری و ساختاری شاخص و متمایز در یک اثر و یا گروهی از آثار هنری گفته می‌شود. هر هنرمندی برای بیان اندیشه‌های خود با اسلوب خاصی تجربه‌ای را خلق می‌کند که

مکتب فکری پیکره‌بندی و رویکردی در اندیشه در حوزه‌ای خاص از دانش است که بر بنیادی زیربنایی تر بنیان شده و برای فرآورده‌های فکری خود رویکردساز و جهت‌دهنده است. مکتب فکری در منظومه‌ی، دانش بشری با مشخصه‌های خود شناخته می‌شود. مکتب فکری ممکن است چشم‌اندازی فلسفی، اعتقادی، جنبشی اجتماعی، فرهنگی یا جنبشی هنری باشد همچنین ممکن است سبک ویژه‌ای در فلسفه یا هنر یا دیگر شاخه‌های علوم انسانی و علوم سیاسی و پزشکی و ... را نتیجه دهد. به عبارتی، افرادی که حول یک مکتب به نظریه‌پردازی می‌پردازند، باید در یک چیز خصوصیت مشترک داشته باشند که این خصوصیت همان پایه نظری و یا روش تحقیق است.

مقدمه‌ای پیرامون مفهوم مکتب کاربرد اصطلاح مکتب به

زمان دوری برنمی‌گردد و به نوعی برگردان واژه School در تاریخ‌نگاری غربی است. البته خود واژه مکتب از نظر لغوی واژه‌ای عربی (اسم مکان) است که به معنای مکان خواندن و نوشتن و یا مکان درس دادن استعمال می‌شود که مفهوم آن را امروزه با مدرسه و دانشگاه می‌توان همسنگ در نظر گرفت. در گذشته در زبان فارسی عباراتی چون نخله، مذهب، مسلک، حوزه، طرز، روش و نظایر آنها به جای مکتب کاربرد داشتند. اهمیت تعریف و تبیین درست و اصولی مفهوم مکتب و واژه‌هایی همچون سبک، روش،

پس ریشه موسیقی ردیف دستگاهی شهر اصفهان متأثر از تحولات اجتماعی پس از حمله مغول می‌شود. در میان مناطق ذکر شده در غرب ایران اهمیت اصفهان از اینجا آغاز می‌شود که این شهر زمانی مقر سیاسی کاکویه و آل بویه بوده و سپس بعد از حکومت طغرل سلجوقی به مرکز سیاسی امپراتوری آل بارسلان تبدیل می‌شود. در این دوره زبان و ادبیات فارسی، معماری، مجسمه سازی، نقاشی، موسیقی و برخی دیگر هنرها از اهمیت خاصی برخوردار می‌شود. اما اهمیت دیگر اصفهان در دوره صفویه و دوران با شکوه شاه عباس اول زمانی که این شهر به عنوان پایتخت صفویه انتخاب شد، مشخص می‌شود. چون این مرکزیت باعث تجمع و تمرکز بسیاری از هنرمندان نواحی دیگر در اصفهان شده است. به دنبال آن شالوده ای از برخی مکاتب هنری همگی در این شهر کم کم مفهومی به نام «مکتب اصفهان» را شکل می‌دهد.

مکاتب در ایران بیشتر به صورت اقلیمی تعریف شده (مانند مکتب تهران یا مکتب اصفهان) ولی با مروری بر تعاریف و مولفه‌های مکتب و در نظر گرفتن شاخصه‌های هنر شرقی مانند عرفان، به این نتیجه می‌رسیم که مکاتب بیشتر فردی هستند تا جغرافیایی. چون در یک اقلیم یک نوع تفکر واحد و منسجم عمدتاً دیده نمی‌شود. اما برای اینکه مکاتب اقلیمی دارای هویت و تعریف معینی شوند باید روی تفکر واحد و مولفه‌های زیباشناختی تمرکز صورت بگیرد. این در حالی است که عمده نویسندگان و علاقه مندان موسیقی در صحبت از مکتب اقلیمی بیشتر از شاخصه‌های سبک و اسلوب صحبت می‌کنند. در تعریف موسیقی مکتب اقلیم‌های شهری که دارای موسیقی ردیف دستگاهی هستند، نخست باید به مقوله ردیف اقلیم مورد نظر و تمایزهای زیباشناختی آن توجه داشت. سپس برخی از عناصر مشترک سبک‌های موجود را که در قالب یک تفکر واحد و منسجم همخوانی داشته باشد، می‌توان به عنوان دیگر شاخصه مکتب در نظر گرفت.

مکتب به معنای روشی خاص در هنر است که بیش از چند نسل ادامه یابد و پیروانی پیدا کند تا این که شیوه دیگری جایگزین آن شود و نوع دیگری از ارائه هنر را مطرح کند. نمونه‌های مکاتب هنری را در موسیقی، معماری، ادبیات و دیگر هنرها می‌توان یافت. درباره مکاتب موسیقی ایرانی باید گفت که بیش از این که مانند مکاتب ادبی چون رئالیسم و سوررئالیسم، شیوه فکری خاصی در آنها مطرح باشد، معمولاً مکان محور و با نام‌های جغرافیایی هستند. دلیل این موضوع هم این است که هنر موسیقی در مقاطع مختلف در پایتخت‌ها که محل تجمع اهالی این هنر بوده، شکوفا شده است. حسن منصوری در ادامه می‌نویسد:

مکتب موسیقی اصفهان، مربوط به آخرین دوره تاریخی است که ایران، صاحب قدرت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، هنری و منطقه‌ای بوده است. در زمان صفویه، به دلیل تجمع ثروت در اصفهان، ساخت‌وساز اماکن تاریخی مثل کاروانسراها، مساجد و باغ‌ها رواج یافت، هنرمندان در پایتخت گرد حاکمان جمع شدند و هنر موسیقی هم صاحب مکتب شد. البته در اوایل حکومت صفوی و در دوران شاه‌طهماسب، بیش از ۴۰ سال، موسیقی را حرام اعلام کردند و حتی حکم قتل برخی اهالی موسیقی صادر شد، ولی در زمان

مختص به خود او است. مفهوم مکتب گسترده تر و سنگین تر از مفهوم سبک و روش است. به بیانی دیگر باید گفت مکتب بیشتر با درونمایه اثر یعنی بینش آن، سر و کار دارد؛ ولی سبک بیشتر با پوسته و لایه بیرونی و زبان آن سر و کار دارد. از این رو باید چنین نتیجه گرفت که اعضای یک مکتب به طور کلی در اصول فکری شبیه یکدیگر هستند و از لحاظ سبک یعنی نحوه بیان و ارائه هنری آثار خود متفاوتند. در شرق بیشتر سبک می‌تواند مطرح باشد و در غرب مکتب. همچنین در نظر داشت مفاهیمی مانند مکتب هرات یا مکتب اصفهان و نظایر آنها در تاریخ فرهنگی و هنری ما تقریباً جدید است.

مکتب در موسیقی ایرانی

با توجه به عدم قدمت و پیشینه واژه مکتب در کتب و رسالات فرهنگی ما، بیشتر در زمینه موسیقی عباراتی همچون طرز و روش مشاهده می‌شود. (مانند طرز خراسانی یا روش خراسانی) «ابن زبیه» (درگذشته ۴۴۰ ق) در کتاب «الکافی فی الموسیقی» از گونه‌دستانها صحبت به میان می‌آورد که آنها آهنگ‌هایی است که در برابر آنها با واژه‌ها ترانه‌هایی ساخته‌اند تکه‌های آن ترانه را برابر تکه‌هایی آن آهنگ، بهر بهر کرده‌اند، مانند دستان‌های اصفهانی. اینجا نخستین جایی است که از ویژگی خاصی به نام اصفهان و یا خراسان در موسیقی صحبت می‌کند. در موسیقی قدیم ایران دو گونه موسیقی (و به تعبیر امروزی مکتب) بیشتر مطرح بوده و برخی محققان مانند «حسن مشحون» آن را به دو مکتب: خراسانی و عراقی تقسیم‌بندی کردند. به همین شیوه دکتر «حسن حجاریان» مکاتب کهن موسیقی ایرانی را به دو «مکتب خراسان» و «مکتب موسیقی غرب ایران» تقسیم‌بندی می‌کند. وی معتقد است وضعیت فرهنگی پهنه غرب ایران با خراسان و ماوراءالنهر تاکنون کمتر مورد توجه فرهنگ شناسان ایرانی قرار گرفته است. حمله مغول به ایران، موسیقی بعد از اسلام ایران را به دو دوره پیش از مغول و پس از مغول تقسیم کرده است.

دوران اول موسیقی ایران، پیش از حمله مغول با عنوان مکتب خراسان به سرزمین خراسان و ماوراءالنهر مربوط می‌شود که از روزگار سامانیان آغاز شده و با حمله مغول از بین می‌رود. نظام مکتب خراسانی را به صورت «پردگانی» نام گذاری کردند چون موسیقی این منطقه به صورت پرده اجرا می‌شده است. (مانند پرده عشاق، پرده نوا و ...) حجاریان معتقد است این پرده‌های تک مُدی (ایزومُدال) پس از حمله مغول به فرهنگ غرب ایران انتقال یافته و تحت شرایطی با یکدیگر ترکیب می‌شوند و از ترکیب آنان به صورت چند مُدی (پلی مُدال) تبدیل شده و در نهایت موسیقی ردیف - دستگاهی شکل می‌گیرد. بنابراین دوران پس از حمله مغول، موسیقی قلمرو غرب ایران تحت عنوان عراق عجم به صورت دستگاهی شکل گرفته است. منطقه غرب ایران در اینجا منظور سرزمین‌هایی است که به موازات کوه زاگرس از قفقاز گرفته تا خطه فارس را شامل می‌شود. این دامنه وسیع جغرافیایی شامل مناطقی همچون آذربایجان، قزوین، قم، همدان، کردستان، ایلام، خوزستان، لرستان و بختیاری، اصفهان، فارس و کرمان می‌شود.



شاه‌عباس، موسیقی رواج یافت و حتی اتاق موسیقی در کاخ عالی‌قاپو ساخته شد. در مواردی هم که موسیقی را حرام اعلام کردند، مقام‌ها و علم موسیقی، از طریق نفوذ در آواهای مذهبی مثل مراسم تعزیه و روضه‌خوانی رشد کردند و حفظ شدند. بعد از حکومت صفویه، قدرت منسجمی در ایران نداشتیم. نادرشاه افشار در دوران حکومتش، درگیر جنگ با افغان‌ها و تجمع قبایل مختلف پراکنده ایرانی بود تا ایرانی منسجم و یکپارچه به وجود آورد و حکومت زندیه هم تا حد فرمانروایی یک پادشاه دوام یافت.

در جستجوی «مکتب» موسیقی بین تاریخ و فلسفه

نخستین نشست تخصصی «نشست آهنگ»، پیرامون مفهوم مکتب در موسیقی، به‌عنوان یکی از مجموعه برنامه‌های هفته فرهنگی اصفهان که به همت سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری اصفهان برگزار شد، خواندن آن در ادامه بحث خالی از لطف نیست.

یکی از این مفاهیم، واژه «مکتب» در موسیقی سنتی ایرانی است که هنوز تعریف مشخص و سر راستی برای آن ارائه نشده و گاه معادل فضای فیزیکی همچون کلاس درس و گاه به معنای شیوه و سبک، آن را می‌شناسند.

واژه «مکتب»، ریشه‌های باستانی در فرهنگ ایران

دارد

نخستین کسی که در این نشست، صحبت‌هایش را پیرامون مکتب آغاز کرد، اکبر یاوریان بود. وی که به‌صورت تخصصی در تاریخ سازها و موسیقی ایرانی پژوهش می‌کند، در این نشست، واژه «مکتب» را از دیدگاه تاریخی ریشه‌یابی کرد و معادل‌های این کلمه را در سه‌هزار سال پیش نیز یافت. یاوریان در صحبت‌های خود گفت: این گمان که واژه‌ای به نام یا درباره مکتب در ایران وجود داشته، مورد تردید نیست، اما متأسفانه هیچ سند روشنی پیرامون آن در اختیار نداریم.

وی افزود: دلیل نبودن سند هم به خاطر فرهنگ شفاهی ایرانیان و فقدان فرهنگ کتبی است. این پژوهشگر موسیقی با بیان این که واژه مکتب، ظاهراً از ریشه «کَتَب» عربی آمده، اظهار کرد: البته باز هم ریشه این کلمه، قبل از عربی، به زبان‌های فنیقی و عبری می‌رسد.

یاوریان با اشاره به واژه‌های مشابه با کلمه مکتب در ایران باستان نیز توضیح داد: در مقیاسی مشابه با واژه مکتب، می‌توانیم واژگانی همچون «دستان» یا «خسروانی» را در ایران باستان سراغ بگیریم که به معنی مکتب امروزی بوده‌اند.

وی پیرامون کاربرد این کلمه در ادوار بعد از اسلام در ایران نیز گفت: در دوره‌های نخستین اسلام نیز می‌توانیم ترکیب‌هایی

در دوران حکومت قاجار که بیش از ۱۵۰ سال دوام یافت، آرامش نسبی فراهم و به مسائل فرهنگی مثل موسیقی عنایت شد و به دلیل این که در این دوران، تهران پایتخت بود، هنرمندان موسیقی در این شهر جمع شدند و آرام‌آرام مکتب موسیقی تهران شکل گرفت. البته ریشه مکتب آوازی تهران از مکتب موسیقی اصفهان گرفته‌شده، چراکه در دوره قاجار، موسیقی دانان و تعزیه‌خوانان برجسته اصفهانی برای آموزش تعزیه خوانان تکیه دولت به تهران فراخوانده شدند و در این دوران، مکتب موسیقی تهران رواج یافت و مکتب موسیقی اصفهان کمی مغفول ماند. با این وجود اهالی موسیقی اصفهان، نسل به نسل موسیقی مکتب اصفهان را منتقل کردند و بنده، آخرین موجودی‌های باقی‌مانده از این مکتب را از طریق استادانم در مجموعه «ردیف‌سازی و آوازی مکتب اصفهان» جمع کردم. ردیف آوازی مکتب موسیقی اصفهان از سید رحیم اصفهانی و ردیف‌سازی آن از نایب اسدا... اصفهانی به شاگردان میرز این دو در علم ردیف منتقل شده است. ردیف آوازی را سید رحیم به میرزاعلی قاری و او به عباس کاظمی و کاظمی به بنده منتقل کرده است. ردیف‌سازی را هم نایب اسدا... به مهدی نوایی منتقل کرده و او به حسین یآوری. یآوری هم این ردیف را به سه استاد نی بنده، شامل عباس کاظمی، احمد هنرمند و عباس غازی اصفهانی منتقل کرده است. حقیر، این ردیف را از این سه نفر فراگرفتم و جمع‌آوری کردم. دسته‌ای از مقام‌ها، نغمات، ملودی‌ها و آهنگ‌های مستقل، یک مکتب موسیقایی را تشکیل می‌دهند و در مکتب اصفهان، نغمات خاصی وجود دارد که در دو مکتب تهران و تبریز نیست و گوشه‌های ریتمیک هم در آن بیشتر است، همان‌طور که برخی ملودی‌های مکتب موسیقی تهران در مکتب موسیقی اصفهان وجود ندارد. در واقع نزدیک به ۵۰ درصد دو مکتب موسیقی تهران و اصفهان، مشترک است و ۵۰ درصد دیگر آنها هم اغلب در اسم‌ها تفاوت دارند، با این وجود هر کدام از این مکاتب موسیقی، ویژگی‌های خاص خود را دارند و مجموعه همه ردیف‌های موجود تشکیل‌دهنده موسیقی اصیل ایرانی هست.

(حسن منصور: مکتب موسیقی اصفهان، یادگار دوره صفوی، روزنامه اصفهان امروز، شماره ۱۹، آبان ۱۳۹۶)

رگه‌هایی مشترک دارند و همگی از یک چیز کلی استفاده می‌کنند. منصوروی تصریح کرد: تمام کسانی که در یک مکتب هستند، در عین این که مشترکاتی باهم دارند، هر کدام سبک و امضای خاص خود را در آثارشان استفاده می‌کنند و سبک‌هایشان باهم متفاوت است، مانند استاد تاج که شیوه آوازی متفاوتی با استاد ادیب دارد، اما هر دو در مکتب اصفهان می‌خوانند.

این محقق موسیقی بایبان این که مکتب، صرفاً در یک منطقه خاص جغرافیایی پدید نمی‌آید، اظهار کرد: برای مثال، درباره مکتب آوازی اصفهان، چنین نیست که حتماً در منطقه جغرافیایی اصفهان پدید آمده باشد، کما اینکه عمده پایه‌های این مکتب، از تهران می‌آید، اما به نام اصفهان شناخته می‌شود.

وی ادامه داد: در هنرهای غربی نیز می‌بینیم که پایه‌های فلان سبک در یک یا چند کشور شکل می‌گیرد، اما به نام یک کشور دیگر شناخته می‌شود.

منصوروی همچنین بایبان این که در تئوری غربی، مکتب، یک واژه بسیار مفهومی است، گفت: مکتب در موسیقی غربی، به این صورت بوده که یک موسیقی‌دان در روندی احساسی، منقلب می‌شده، فرم‌های قبلی را می‌شکسته و طرحی نو می‌زده است. سپس برای این که این سبک جدید تثبیت شود، برای آن، دستور زبانی به علائم موسیقی می‌نوشته و آن سبک، تبدیل به یک موسیقی می‌شده است. وی تصریح کرد: پس نتیجه این می‌شود که مکتب، مجموعه‌ای است از شیوه‌هایی که باهم رگه‌های مشترکی دارند.

معنای فلسفی مکتب، در شرق و غرب تفاوت دارد

نفر چهارمی که بیشتر پیرامون مباحث فلسفی واژه مکتب صحبت کرد، مهرشاد متین فر بود.

وی که محقق فلسفه است، بایبان این که مفهوم واژه مکتب به معنای امروزی در ایران، دو سرچشمه اصلی دارد، گفت: یکی از سرچشمه‌های این واژه، در علم فقه و اصول است که کلمه مکتب را به کار برده‌اند. همان طور که دکتر حسین عمومی هم در کتابش، مکتب را یک واژه فقهی می‌داند.

وی افزود: دومین سرچشمه مکتب از زمانی است که ترجمه آثار غربی در ایران از طریق ترجمه‌هایی چون ترجمه‌های محمدعلی فروغی شروع شد.

متین فر تصریح کرد: یک نکته مهم در این صدسال اخیر، مغفول مانده و آن، این است که واژه امروزی مکتب که از غرب آمده، با زیست همان منطقه هماهنگی دارد، اما چقدر با زیست شرقی می‌تواند تطابق داشته باشد.

وی ادامه داد:

خیلی از مفاهیم همچون مکتب که با فرهنگ درگیری دارند، می‌توانند معانی متفاوتی در شرق و غرب داشته باشند.

این پژوهشگر فلسفه بایبان این پرسش که آیا معیارهای مفهوم مکتب غربی را در ایران داریم یا نه گفت: من شش شاخصه برای یک مکتب از دیدگاه غربی استخراج کرده‌ام که عبارت‌اند از این که مکتب باید مجموعه‌ای جامع و شامل باشد، اجزای هماهنگی داشته باشد، دارای تفکری واحد باشد، واژه‌شناسی خاص خود را داشته

همچون دستان خراسانی یا اصفهانی را به معنی مکتب خراسانی یا اصفهانی در کتاب محققان آن زمان بیابیم.

یاوریان درباره این دوره افزود: همچنین در همان ادوار، کلماتی مانند طرز، بسته یا رواشیخ را داریم که معادل واژه مکتب هستند، برای مثال می‌توان به طرز رستم‌خانی در جنوب کشور و دیگر شیوه‌های موسیقی در سراسر ایران اشاره کرد.

این تاریخ‌نویس موسیقی اصفهانی درباره تاریخ کاربرد نوین کلمه «مکتب» نیز گفت: چیزی که امروزه از کلمه مکتب افاده می‌شود، مربوط به دو سده اخیر است. ترکیب‌هایی همچون مکتب فلسفی اصفهان، مکتب موسیقی یا مکتب معماری اصفهان.

مکتب یک مکان فیزیکی است، مهم شیوه و سبک است

دومین نفری که در این نشست صحبت کرد، منصور اعظمی کیا، پژوهشگر حوزه موسیقی و خواننده آواز ایرانی بود. وی در بحث‌های خود، مکتب را یک مکان فیزیکی دانست و اهمیت را به شیوه، سبک و محتوای آموزشی یک موسیقیدان داد.

وی درباره تاریخچه تئوری نوین موسیقی ایرانی گفت:

آن چیزی که امروزه به نام تئوری موسیقی می‌شناسیم، از زمانی که کلنل علی‌نقی خان وزیری، تحت تأثیر غرب می‌خواست موسیقی ایرانی را بر اساس موسیقی غربی سازمان دهد، شروع شد.

اعظمی کیا ادامه داد:

همچنین بعد از آن، روشنفکران ایرانی در تلاش بودند تا هنرهای ایرانی را با مکتب غربی تطابق دهند که این موضوع، باعث شد برخی واژگان وارد ایران شود که یکی از آن‌ها، مفهوم مکتب بود.

این پژوهشگر موسیقی بایبان این که مکتب به معنای محل یادگیری به شکل فیزیکی آن است، اظهار کرد: مکتب، مکانی است که استاد در آن قرار می‌گیرد و با متوسل شدن به دستورالعمل‌هایی، سعی در انتقال مطالب به شاگردانش دارد.

وی تصریح کرد: وقتی می‌گوییم مکتب، باید یک سیر جریان اندیشه و تفکر به ذهنمان متبادر شود، یعنی اهمیت با محتوایی است که توسط فرد، انتقال پیدا می‌کند، نه آن مکان فیزیکی.

اعظمی کیا بایبان این که وجود سبک و شیوه است که باعث اعتبار مکتب می‌شود، گفت:

ما باید به محتوای مکتب بپردازیم، نه صرفاً به یک مکان فیزیکی که محتوای همان سبک و شیوه کسی است که در تلاش انتقال مطالب است.

اجماع شیوه‌های مختلف، یک مکتب را به وجود

می‌آورند

محقق بعدی که در این نشست، واژه مکتب را بسیار محتوایی و درونی تحلیل کرد، حسن منصوروی بود. وی که سالیانی است در حوزه موسیقی نظری پژوهش می‌کند و یکی از نوازندگان چیره‌دست نی در اصفهان است، در صحبت‌های خود مکتب را فراتر از سبک و شیوه دانست و گفت: مکتب، یک معنای فراگیر و عمومی‌تری دارد. مکتب به معنای جمع فرم‌ها و سبک‌های فردی است که



به معنای امروزی در ایران، دو سرچشمه اصلی دارد، گفت: یکی از سرچشمه‌های این واژه، در علم فقه و اصول است که کلمه مکتب را به کار برده‌اند. همان‌طور که دکتر حسین عمومی هم در کتابش، مکتب را یک واژه فقهی می‌داند.

وی افزود: دومین سرچشمه مکتب از زمانی است که ترجمه آثار غربی در ایران از طریق ترجمه‌هایی چون ترجمه‌های محمدعلی فروغی شروع شد.

متین فر تصریح کرد: یک نکته مهم در این صدسال اخیر، مغفول مانده و آن، این است که واژه امروزی مکتب که از غرب آمده، با زیست همان منطقه هماهنگی دارد، اما مقدر با زیست شرقی می‌تواند تطابق داشته باشد.

وی ادامه داد:

خیلی از مفاهیم همچون مکتب که با فرهنگ درگیری دارند، می‌توانند معانی متفاوتی در شرق و غرب داشته باشند.

این پژوهشگر فلسفه بابیان این پرسش که آیا معیارهای مفهوم مکتب غربی را در ایران داریم یا نه گفت: من شش شاخصه برای یک مکتب از دیدگاه غربی استخراج کرده‌ام که عبارت‌اند از این‌که مکتب باید مجموعه‌ای جامع و شامل باشد، اجزای هماهنگی داشته باشد، دارای تفکری واحد باشد، واژه‌شناسی خاص خود را داشته باشد، روش‌شناسی مشخص داشته باشد و دارای پیروانی باشد.

متین فر همچنین درباره مفهوم سبک گفت: سبک بیشتر به معنای بیان شخصی هر هنرمند است. سبک عمدتاً با پوسته بیرونی اثر رابطه دارد و مکتب، با محتوا و مغز درونی آن پیوند دارد. به‌نوعی مکتب، فلسفی‌تر از سبک است.

وی افزود: شرقی‌ها بیشتر با سبک و غربی‌ها با مکتب کار می‌کنند. البته این حرف، بدین معنا نیست که شرقی‌ها تفکر ندارند، بلکه به شیوه دیگری باید آثار آن‌ها مطالعه شود. (خبرگزاری ایمن: فرهنگ، ۶ اردیبهشت ۱۳۹۷)

باشد، روش‌شناسی مشخص داشته باشد و دارای پیروانی باشد. متین فر همچنین درباره مفهوم سبک گفت: سبک بیشتر به معنای بیان شخصی هر هنرمند است. سبک عمدتاً با پوسته بیرونی اثر رابطه دارد و مکتب، با محتوا و مغز درونی آن پیوند دارد. به‌نوعی مکتب، فلسفی‌تر از سبک است.

وی افزود: شرقی‌ها بیشتر با سبک و غربی‌ها با مکتب کار می‌کنند. البته این حرف، بدین معنا نیست که شرقی‌ها تفکر ندارند، بلکه به شیوه دیگری باید آثار آن‌ها مطالعه شود.

اجماع شیوه‌های مختلف، یک مکتب را به وجود

می‌آورند

محقق بعدی که در این نشست، واژه مکتب را بسیار محتوایی و درونی تحلیل کرد، حسن منصوری بود. وی که سالیانی است در حوزه موسیقی نظری پژوهش می‌کند و یکی از نوازندگان چیره‌دست نی در اصفهان است، در صحبت‌های خود مکتب را فراتر از سبک و شیوه دانست و گفت: مکتب، یک معنای فراگیر و عمومی‌تری دارد. مکتب به معنای جمع فرم‌ها و سبک‌های فردبه‌فردی است که رگه‌هایی مشترک دارند و همگی از یک‌چیز کلی استفاده می‌کنند.

منصوری تصریح کرد: تمام کسانی که در یک مکتب هستند، در عین این‌که مشترکاتی باهم دارند، هر کدام سبک و امضای خاص خود را در آثارشان استفاده می‌کنند و سبک‌هایشان باهم متفاوت است، مانند استاد تاج که شیوه آوازی متفاوتی با استاد ادیب دارد، اما هر دو در مکتب اصفهان می‌خوانند.

این محقق موسیقی بابیان این‌که مکتب، صرفاً در یک منطقه خاص جغرافیایی پدید نمی‌آید، اظهار کرد: برای مثال، درباره مکتب آوازی اصفهان، چنین نیست که حتماً در منطقه جغرافیایی اصفهان پدید آمده باشد، کما اینکه عمده پایه‌های این مکتب، از تهران می‌آید، اما به نام اصفهان شناخته می‌شود.

وی ادامه داد: در هنرهای غربی نیز می‌بینیم که پایه‌های فلان سبک در یک یا چند کشور شکل می‌گیرد، اما به نام یک کشور دیگر شناخته می‌شود.

منصوری همچنین بابیان این‌که در تئوری غربی، مکتب، یک واژه بسیار مفهومی است، گفت: مکاتب در موسیقی غربی، به این صورت بوده که یک موسیقی‌دان در روندی احساسی، منقلب می‌شده، فرم‌های قبلی را می‌شکسته و طرحی نو می‌زده است. سپس برای این‌که این سبک جدید تثبیت شود، برای آن، دستور زبانی به علائم موسیقی می‌نوشته و آن سبک، تبدیل به یک موسیقی می‌شده است.

وی تصریح کرد: پس نتیجه این می‌شود که مکتب، مجموعه‌ای است از شیوه‌هایی که باهم رگه‌های مشترکی دارند.

معنای فلسفی مکتب، در شرق و غرب تفاوت دارد

نفر چهارمی که بیشتر پیرامون مباحث فلسفی واژه مکتب صحبت کرد، مهرشاد متین فر بود.

وی که محقق فلسفه است، بابیان این‌که مفهوم واژه مکتب

با امضای یک تفاهمنامه صورت می‌گیرد

توسعه‌ی حقوق و موسیقی



اعلام جزییات امضای یک تفاهم نامه حقوقی

در خانه موسیقی

«شناسایی نیازهای پژوهشی خانه موسیقی و همکاری مشترک در اجرای طرح‌های پژوهشی در چارچوب انعقاد قراردادهای مستقل با نهادها»، «همکاری در چاپ خبرنامه‌ها، گزارش‌های علمی و پژوهشی»، «انجام مطالعات و تألیفات مشترک در زمینه‌های مرتبط با اهداف و رسالت‌های طرفین»، «همکاری در برگزاری مشترک همایش‌ها، میزگردها، سمینارهای علمی، دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی در زمینه حقوق و موسیقی از جمله مالکیت فکری (حقوق مادی و معنوی)، بیمه و مالیات هنرمندان و تولید و عرضه آثار هنری، قراردادهای مرتبط با موسیقی و دعاوی موسیقی»، «همکاری برای اجرای پروژه مجموعه مصاحبه‌های تصویری و مکتوب تاریخ شفاهی موسیقی»، «ایجاد بستر مناسب تولید محتوای چندرسانه‌ای متناسب با نیازهای طرفین» از جمله موضوعاتی که در این تفاهم نامه به امضای طرفین رسیده است.

مدت این تفاهم‌نامه از تاریخ اول بهمن ۱۴۰۲ تا تاریخ اول بهمن ۱۴۰۵ معین شده و تمدید آن با توافق کتبی طرف‌ها خواهد بود. این در حالی است که طرف‌ها موظفند ظرف حداکثر یک هفته از امضای تفاهم نامه، نمایندگان خود را به صورت مکتوب به طرف‌های مقابل اعلام کنند. نمایندگان طرفین هم جلسات مشترک منظم داشته و برنامه‌ریزی و هماهنگی‌های لازم را معمول خواهند داشت. ضمن اینکه در این راستا کاوه رضوانی راد، وکیل پایه یک دادگستری و مشاور حقوقی خانه موسیقی ایران به عنوان نماینده تام‌الاختیار خانه در این تفاهم نامه معرفی شده است.

مدیر عامل خانه موسیقی ایران از امضای یک تفاهم نامه با یک مجموعه حقوقی با هدف توسعه و ترویج «حقوق و موسیقی» و رسیدگی به مشکلات حقوقی هنرمندان حوزه‌های مختلف موسیقی در سال ۱۴۰۳ خبر داد. به گزارش خانه موسیقی ایران، مدیر عامل خانه موسیقی ایران و مجموعه «حقوق و هنر» به منظور مشارکت و بهره‌مندی از توانایی‌های علمی، پژوهشی، آموزشی و فرهنگی و در راستای مشارکت‌های حقوقی، فرهنگی و هنری و ترویج و توسعه حقوق و موسیقی تفاهم نامه‌ای را در خانه موسیقی امضا کردند.

حمیدرضا نوربخش مدیرعامل خانه موسیقی در رابطه با جزییات این تفاهم نامه حقوقی گفت: جامعه موسیقی طی سال‌های اخیر در حوزه مسایل حقوقی و موضوعات مرتبط با آن با چالش‌های بسیار فراوانی روبه‌رو بوده و هست. البته در این مدت صنوف مختلف به صورت جسته و گریخته بخش‌هایی داشتند که بتوانند این امور را در قالب «شورای داور» پیگیری کنند. در این روند هم خانه موسیقی نهایت تلاش خود را انجام داده تا در حد مقدمات و امکانات پیگیر موضوعات حقوقی اصناف موسیقی ایران باشد.

وی افزود: اما امروز جای خوشحالی است که می‌توانیم به واسطه تفاهم نامه حقوقی که با مدیریت جناب وحید آگاه به عنوان یکی از چهره‌های شناخته شده در حوزه حقوق هنر منعقد می‌شود، در یک شاکله جامع‌تر و گسترده‌تر نسبت به پیگیری امور خاص حقوقی در حوزه موسیقی اقدامات بهتر و موثرتری را انجام دهیم.

وحید آگاه حقوق‌دان و مدرس دانشگاه هم درباره امضای این تفاهم نامه گفت: بسیار خوشحالی‌م که به واسطه تفاهم نامه‌ای که به امضا رسیده از این پس می‌توانیم نسبت به رفع چالش‌ها و موانع مرتبط با مسایل حقوقی حوزه موسیقی اقداماتی را انجام دهیم. در این راستا تلاش برای رفع چالش‌های حقوقی اهالی موسیقی، برگزاری نشست‌های علمی و پژوهشی در حوزه‌های حقوقی مرتبط با هنر به ویژه موسیقی از جمله برنامه‌هایی است که امیدواریم در سال ۱۴۰۳ محقق شود. شرایطی که قرار است این بار از پنجره حقوق هم از اهالی موسیقی یاد بگیریم و هم به آنها خدماتی ارائه دهیم تا چالش‌های حقوقی این حوزه در راستای مسئولیت اجتماعی مرتفع شوند.

گفت و گو با مهدی درویشی سازنده سنتور

حاصل عشق به کار صدای خوب ساز است

درآمد:

برای هر چه بهتر شدن صدای سنتور بهره برد. حدوده ۸ ماه با گروه Bridges در کشور آلمان (نوازندگی تنبک و سنتور) همکاری کرد. وی در چهارمین نمایشگاه ساز خانه که در دی ماه سال جاری در خانه هنرمندان برگزار شد شرکت داشت. به همین مناسبت گفتگویی با وی انجام داده ایم که در ادامه می‌خوانید:

مهدی درویشی (متولد اصفهان) فراگیری نوازندگی سنتور را از اواخر دهه شصت نزد مسعود رضائی نژاد و سپس مجید کیانی آغاز کرد؛ وی ساخت سنتور را نیز همزمان با فراگیری سنتور از سال ۱۳۶۹ شروع کرد. در ادامه فعالیت هایش با پرویز مشکاتیان آشنا شد و از نظرات ایشان



خوب دیده نمیشوند یا اگه براق باشد چشم نوازنده را اذیت می‌کند و باعث بازتاب نور به چشم نوازنده می‌شود) کوک ساز (نیاز به تجربه زیادی برای چگونگی ترکیب چوب و فلز برای بهتر کوک گرفتن دارد) انتخاب چوب مناسب (که سالها تجربه میتواند قدری به ما کمک کند)

نوع و جنس سیمها (پیشش صحیح سرسیم و بستن گوشیهها) انتخاب چوب مناسب برای شیطانک، شکل شیطانک، زاویه شیار بر روی شیطانک...

انتخاب خرک مناسب (نشستن ساچمه بر روی خرک و کف خرک بر روی صفحه بسیار مهم است) ارتفاع مناسب مفتول شیطانک (چون ارتفاع زیاد باعث پاره شدن سیم و ارتفاع کم باعث در اصطلاح گز زدن سیم می‌شود) و محل سوراخ کردن کلاف ساچمه و گوشی (یا سیم گیر) که رعایت صحیح و اصولی همگی این موارد می‌تواند باعث بشود که یه ساز خوب ساخته بشود

البته تک تک این موارد بسیار جای بحث و گفت و گو دارد که بنده به طور کلی توضیح دادم.

***در ابتدا نظرتان را در باره ساز سنتور بیان کنید.**

سنتور جزو یکی از سازهائی است که با ظاهری به نظر ساده به راحتی توسط افراد ساخته می‌شود ولی این ساز جزء یکی از پر راز و رمزترین سازهاست چون دارای ۱۸ خرک (در سنتور ۹ خرک) باشرايط كاملاً متفاوت هست که باعث می‌شد هماهنگی در همه خرک‌ها به سختی انجام شود هماهنگی سه پزیسیون، طنین مناسب و کنترل شده، حجم صدای متعادل و مناسب و یکدست بودن همه نت‌ها همگی جزء محاسن یک سنتور محسوب می‌شود که این مربوط به صدا هست.

***از نظر ساختن ساز و فیزیک و جنس چوب سنتور**

چطور؟ بخش‌ها و ادوات مربوط به این ساز کدامند؟

فیزیک سازی یکی از مهمترین عوامل مرغوبیت صدابه شمار می‌رود. (که بسیار در سالم نگهداشتن خود ساز و ماندگاری صدای خوب در سالهای متمادی تاثیر دارد).

رنگ ساز (درصورت نداشتن رنگ مناسب مشکلات زیادی به وجود می‌آید اگه رنگ روشن باشد سیمها مخصوصا سیمهای زرد



رفتم و پرس را باز کردم اتفاق عجیبی را مشاهده کردم صفحه زیرسنتور دو کوک ترکی حدود ۱۵ سانت برداشته بود با ناراحتی فید این سنتور را زدم و آن را به قسمت انبار چوب بردم و آنجا نگهداری کردم. وقتی خانه موسیقی اعلام کرد که قصد برگزاری نمایشگاه رادارد (البته سال ۱۴۰۱ که کنسل شد) تصمیم گرفتم، سنتور دو کوکی هم در نمایشگاه داشته باشم که به انبار چوب رفتم برای تهیه چوب برای ساز دو کوک، که چشمم به آن سنتور افتاد که ۱۳ سال پیش آن را ساخته بودم و صفحه زیرش ترک

*سنتورهای با محدودیت‌های صدایی چطور؟ آیا این نوع سنتورها را نیز می‌سازید؟

بله؛ سنتورهای سوپرانو جزء سازهایی هستند که میتوانند صدای زیر در ارکستر را تامین کنند چون معمولاً رهبران ارکستر هماهنگی صداها را بهم و زیر و تناسب کلی صدای ارکستر را در نظر می‌گیرند.

چون بنده نوازنده سنتور هم بودم با توجه به اینکه چپ کوک سنتور از نت (دو) و یا (ر) (در سنتور سل کوک) نواخته می‌شود به فکر ساخت سنتور (دو) و (ر) برای ارکستر افتادم که شاید حدود ۲۴ سال پیش اولین ساز دو کوک سوپرانو را برای ارکستری در اصفهان ساختم البته صدا در آوردن از ساز سوپرانو به علت کوچک بودن بسیار سخت است ولی علاقه و عشق من به این کار باعث شد که با همه وجودم برای ساخت این ساز تلاش کنم. پس از آشنای بنده با استاد پرویز مشکاتیان از نظرات ایشان برای صدای سنتورهای سل استفاده کردم تا اینکه یک بار در مورد سنتور سوپرانو (دو) و (ر) کوک با استاد صحبت کردم که خیلی براشون جالب بود و از من خواستند که نمونه این ساز را برای استاد ببرم حتی تاکید کردند که با این سنتور در ارکستر اجرا خواهیم گذاشت.

سنتورهای سوپرانو جزء سازهایی هستند که میتوانند صدای زیر در ارکستر را تامین کنند چون معمولاً رهبران ارکستر هماهنگی صداها را بهم و زیر و تناسب کلی صدای ارکستر را در نظر می‌گیرند

*در این مورد گویا اتفاق عجیبی برای سازتان افتاده است موضوع چه بوده است؟

بله من بعد از اینکه با استاد مشکاتیان صحبت کردم بلافاصله دست به کار ساخت ساز شدم تا اینکه سنتور را پرس کردم ولی متأسفانه یکی از بدترین اتفاقات برای من و فکر کنم برای عالم موسیقی کشور افتاد! روزی که در حال برگشت از کارگاه به سمت منزل بودم شاید بیش از ۳۰ پیامک برای من آمد که در حال رانندگی بودم و وقتی پیامها را دیدم همگی از آسمانی شدن استاد پرویز مشکاتیان خبر داده بودند برایم باور کردنی نبود ... در مراسم تشییع استاد جلوی تالار وحدت و بعد از آن در خاکسپاری واقع در نیشابور شرکت کردم روزی که مجدداً به کارگاه

داشت، این سنتور را به کارگاه بردم صفحه زیر آن را جدا کردم و دوباره صفحه جدیدی استفاده کردم و به همراه سنتورهای ۱۱ خرک-سل - لا و فا سوپرانو در چهارمین نمایشگاه سازخانه موسیقی ایران شرکت کردم بنده در همه کوکها سنتور ساخته ام سل - لا - سی - دو - ر - می - فا و سل اکتاو-۱۱-۱۲-۱۴ خرک و سنتور (باس) ولی در کنار سنتور سل بهترین سنتور برای ارکستر و گروه نوازی سنتور دو - و - ر سوپرانو و سنتور باس هست و بقیه بیشتر برای تکنوازی کارایی دارند.

سند موسیقی

درآمد:

در اینکه این سند هنوز دارای نواقصی است و باید در آینده مورد بازبینی و اصلاح قرار بگیرد شکی نیست اما در اینکه موسیقی دارای سندی شده که از سوی حاکمیت به رسمیت شناخته شده و دیگر حرف و حدیثی از اعمال سلیقه نهادهای بی ربط به موسیقی نیست جای خرسندی و خوشنودی است. برای اطلاع همگان و بویژه هنرمندان و پژوهشگران از مفاد این سند و ارزیابی و نظرسنجی به منظور نقد و بررسی، متن سند را در اینجا تقدیم خوانندگان عزیز می‌کنیم:

سند موسیقی کشور بعد از سالها کش و قوس بالاخره منتشر شد؛ در این سند که به نوعی رسمیت بخشیدن به موسیقی و فعالیت‌های موسیقیدانان محسوب می‌شود به مسائل مختلف حوزه‌های موسیقی اشاره شده است و در پایان شورایی متشکل از نمایندگان نهادهای مرتبط به موسیقی و مسائل فرهنگی معرفی شده تا حرف آخر را این شورا بزنند.

ماده ۱ - مبانی، ارزش‌ها و اصول:

موسیقی ایرانی اسلامی، نوعی هنر شنیداری و نمایشی مبتنی بر دانش نافع، دارای عقلانیت جامع‌نگر (عقل ادراکی نظری و عملی، عقل آخرت‌گرا و عقل معیشت‌گرا) است.

موسیقی حکیمانه در ساحت‌های شکل، دستگاه یا مقام، نغمه‌ها و گوشه‌ها، گام‌ها و سازها، تعالی و معنابخش روح و ذهن و احساسات آدمیان خواهد بود و در شکل جمعی باعث رشد اجتماع انسانی خواهد شد.

این هنر شنیداری و نمایشی، مبتنی بر حکمت عملی انقلاب اسلامی، سعادت فرد و جامعه راه، از طریق برانگیختگی احساسات متکی بر عقل، پیگیر است. همچنین این حرکت کلی سعادت‌مندانه، سوگیری زندگی معنوی و مادی را توأمان در بر دارد.

در این راستا، جهت‌گیری الهیبت‌رهای بخش و عدالت‌خواهانه در مکتب موسیقایی انقلاب اسلامی، جنبه رکنیت دارد. در نهایت، هم‌نوایی با موسیقی کلی طبیعت، ماهیت این موسیقی را به فطرت آدمی متکی می‌کند. بر این اساس؛ این سند بر مبانی، ارزش‌ها و اصول زیر استوار است:

«جهت‌گیری هنر»؛ مسأله مهمی است. هنر، جزو زندگی انسان است؛ که در ذات خود، یکی از لوازم وجود انسان به شمار می‌رود. اسلام هنر را نه فقط قبول کرده، بلکه تشویق نموده است. قرآن خود اثری هنری است. هنر از جلوه‌های زیبای خلقت الهی در انسان است. آنچه در هنر مورد ایراد است و اهل بصیرت همیشه بدان اشکال گرفته‌اند، جهت غلط هنر بوده است. کشاندن هنر در جهت اغوا و بی بند و باری انسان غیر قابل قبول است؛ وگرنه اگر هنر با روح دین، با جهت‌گیری دین باشد، از برجسته‌ترین پدیده‌های وجود انسانی است.

«هدف‌دار بودن موسیقی»؛ ماهیت موسیقی هنر است، هنری که آفریده‌شده از دانش، اندیشه، جهان‌بینی و ذوق فطری است. بنابراین ماهیت موسیقی را دو پایه اساسی شکل می‌دهد: اول موسیقی امری الهی است و دوم امری فطری و انسانی است.



همچنین در ماهیت موسیقی باید گفت که، همچون بسیاری از امور، از جمله هنر، موسیقی یک امر ذاتاً هدف‌دار و مبتنی بر اراده آدمی است و لازم است دست‌اندرکاران رسانه‌ها و فضای مجازی، در جهت موسیقی هدفمند متناسب با اهداف انقلاب اسلامی و نظام تمدن ساز و نیازهای اصیل جامعه ایرانی - اسلامی حرکت کنند.

با توجه به اینکه موسیقی امری هدفمند و ارایه محور است، می‌تواند ابزار دستیابی به اهداف عالی یا سافل شود. بنابراین موسیقی یک ابزار مشترک، برای اهداف خیر یا شر است و هر دو نوع آن در عالم خارج مصداق دارد. بنابراین؛ نظریه کسانی که مطلقاً موسیقی را امری شیطانی می‌دانند و یا آن را تنها در مسیر اهداف شر می‌یابند، به‌طور قاطع رد است. ضروری است کلیه دست‌اندرکاران عرصه فرهنگ و هنر، جلوی موسیقی شرانگیز و فسادانگیز را گرفته و متناسب با اهداف انقلاب اسلامی، حرکت کنند.

«ظرفیت‌ها و کارکردهای موسیقی»؛ موسیقی دو کارکرد اصلی دارد: یکی مربوط به احساسات و دیگری مربوط به اندیشه و جهان‌بینی است، و از سوی دیگر، موسیقی قادر به تحریک احساسات و هدایت ذهن‌ها است که مورد دوم اهمیت بیشتری دارد. در واقع «هدف غایی موسیقی، نشان دادن محتوا به قلب و دل و ذهن مخاطب» است.

«جذابیت و نفوذ عمیق»؛ موسیقی نوعی رسانه است که در میان اقشار مختلف مردم، خصوصاً جوانان، به‌راحتی رواج پیدا کرده و

به سادگی نفوذ می‌یابد. از این منظر، این رسانه، شیوع بیشتری نسبت به بسیاری از رسانه‌های سنتی و مدرن دارد. این گستره حضور و استفاده به نحوی است که «نمی‌شود به کلی در موسیقی را بست» و این پدیده در زندگی روزمره مردم جا باز کرده است. بدین جهت لازم است، از این ظرفیت و قدرت، برای امر آموزش و فرهنگ عمومی استفاده شود.

«شناخت موسیقی در فقه»؛ ملاک اصلی تبیین یک قطعه موسیقی و شناخت سره از ناسره آن، «فقه» و نقد دقیق علمی آن است که به تفکیک «قالب» و «محتوا»، معیارها و شاخص‌های قضاوت در خصوص یک قطعه موسیقی را بیان می‌دارد: اول تعیین معیارها و در ثانی تشخیص مصداق‌ها. در خصوص معیارها، دو دسته معیار مطرح است: معیارهایی که اصالت ندارند و در واقع معیار نیستند، همچون: شخص شاعر یا سازنده، پخش از مراکز رسمی، نام سبک موسیقی، و ... اما معیار اصلی برای تشخیص و قضاوت در خصوص موسیقی، «فقه» است. بر مبنای فقه، موسیقی را باید هم بر اساس قالب و هم بر اساس محتوا تحلیل کرد. هر کدام از این دو معیار، سه حالت حرام، حلال و مشتبّه دارند. علاوه بر این، چند ملاک تحت عنوان ملاک‌های فرعی یا ملاک‌های اولویت، وجود دارند؛ مانند اینکه موسیقی خلاقانه و غیر تقلیدی بر موسیقی تقلیدی هر چند حلال، ترجیح دارد. بر حوزه علمیه و طلاب جوان لازم است با نوآوری فقهی در این زمینه حرکت کنند.

«تبیین و ارایه راهکارهای موسیقی»؛ راهکارها را می‌توان بر مبنای انسان‌شناسی، به سه دسته راهکار بینشی، گرایشی و کنشی تقسیم کرد.

۱-۷ راهکارهای بینشی مربوط به عالم فکر و اندیشه و مبنای است، مثل اینکه قبل از ورود عملی به موسیقی، باید مبنای حکمی و فقهی این موضوع، به خوبی شناخته شود و حتی ضرورت دارد، در حوزه‌های علمیه، مرکزی برای پاسخگویی به مسایل موسیقی وجود داشته باشد.

۲-۷ راهکارهای گرایشی مربوط به موارد قلبی و حسی است؛ همچون اینکه در تولید آثار نو و خلاقانه، باید اعتماد به نفس داشت؛ در تشخیص موسیقی درست و نادرست، نباید امور حاشیه‌ای را مدنظر قرار داد.

۳-۷ راهکارهای کنشی که بیشترین حجم از راهکارها را به خود اختصاص داده نیز در دو بخش کلان و خرد قابل دسته‌بندی است. مهم‌ترین نکات در راهکارهای کنشی کلان، این است که می‌بایست «موسیقی را نجات داد» و این نجات دادن، به معنی رها ساختن موسیقی از ابتذال در قالب و محتوا، و هدف‌دار و جهت‌دار کردن موسیقی است. تولید و استفاده از موسیقی در راستای اهداف انقلاب اسلامی؛ مطلوب است. همچنین نوآوری و عدم تقلید، از دیگر راهکارهای کنشی کلان است.

ماده ۲ - اهداف:

تبیین نظری و عملی جایگاه حقیقی موسیقی در حکمرانی فرهنگی کشور.

ارتقا آمایش نهادی و خطمشی‌گذاری یکپارچه و کارآمد در حوزه

موسیقی.

تقویت و ارتقا موسیقی تمدن‌ساز، تعالی‌گرا، اخلاق‌محور و هدفمند؛ متناسب با چشم‌انداز فرهنگی کشور در سطوح ملی، بین المللی و ایران فرهنگی.

پاسداشت جایگاه هنرمندان موسیقی و پیشگیری از کارکردهای غلط فرهنگی، اجتماعی و سیاسی محتمل در حاشیه موسیقی.

تأمین حقوق معنوی جامعه، مخاطب، هنرمند و تولیدکننده، در فرایندهای قانونی و ساختاری حوزه موسیقی.

تقویت اقتصاد موسیقی، با ساماندهی زنجیره ارزش موسیقی.

ماده ۳ - مسایل:

خلا سیاست‌گذاری در راستای بهره‌گیری مناسب از ظرفیت‌های موسیقی و تدبیر موسیقی‌های داخلی و خارجی.

فقدان آمایش و سازماندهی مطلوب نهادهای متولی حوزه موسیقی.

گسترش کارکردهای غلط فرهنگی - اجتماعی در سایه فقدان نقش‌آفرینی موسیقی فاخر.

تضییع حقوق معنوی جامعه، مخاطب، هنرمند و تولیدکننده، بر اثر فقدان شفافیت قانونی و اقتصادی.

فقدان سازمان‌یافتگی لازم در پیوند حوزه موسیقی، سیاست و دین و بروز چالش‌های آسیب‌زا در حاشیه موسیقی.

افت کیفی تولیدات، آموزش‌ها و پژوهش‌ها در سایه کم‌توجهی به موسیقی علمی.

ماده ۴ - سیاست‌های کلان:

اهتمام نظام خطمشی‌گذاری فرهنگی کشور بر اصلاح و اعتلا خطمشی‌های موسیقی و ارتقا آمایش نهادی مبتنی بر جایگاه حقیقی موسیقی در حکمرانی فرهنگی کشور.

تقویت و ارتقا موسیقی تراز انقلاب اسلامی یعنی موسیقی مبتنی بر علم، حکمت و گفتمان اسلام ناب و مقابله با تهاجم فرهنگی در حوزه موسیقی.

اهتمام به ابعاد آموزشی، پژوهشی - تحقیقاتی و نظری موسیقی با تأکید بر ظرفیت‌های تعالی‌گرا، تمدن‌ساز و شوق‌آفرین موسیقی در چشم‌انداز فرهنگی ایران اسلامی.

حمایت مؤثر از تولیدات شاخص و هنرمندان توانمند در راستای شکوفایی و اعتلا موسیقی و ورود به عرصه بین‌المللی و به رسمیت شناختن هنرمندان به عنوان پاسداران اصلی کیان این هنر.

تأمین حقوق معنوی جامعه و مخاطب در کنار صیانت از حقوق هنرمند و تولیدکننده.

مدیریت خردمندانه، تعاملی، تعادلی، یکپارچه و جامع‌نگر در خصوص چالش‌های اجتماعی و سیاسی حوزه موسیقی و پیشگیری از آنها.

ماده ۵ - اقدامات:

تبیین نظری، عملی و فقهی جایگاه راهبردی موسیقی در حکمرانی فرهنگی کشور بر اساس رأی و نظر ولی فقیه.



حمایت از فعالیت قانونی هنرمندان در عین صیانت از حقوق معنوی جامعه، مخاطب، مؤلفان و مصنفان آثار موسیقایی.

تقویت هدفمند موسیقی تعالی‌بخش، شوق آفرین، تمدن‌ساز، اخلاق‌محور و توحیدی و تربیت هنرمندان شاخص و مؤثر در موسیقی انقلاب اسلامی.

حمایت اصولی از چرخه اقتصادی هنر موسیقی و درآمدزایی سالم در این حوزه، با تأکید بر لزوم اهتمام بر رویکرد فرهنگی به موسیقی، در مقابل رویکرد صرفاً اقتصادی و تجاری.

ماده ۶ - فعالیت‌های اجرایی:

حمایت از ایجاد مراکز مطالعات فقهی، حکمی و عرفانی موسیقی.

فرهنگ‌سازی در مورد موسیقی متعالی و پرورش ذائقه موسیقایی مردم به سمت آن.

حمایت و تشویق از تولید و پخش برنامه، در مورد تبیین جایگاه موسیقی در نظام فرهنگی کشور و جلوگیری از آثار سوء موسیقی «مضل عن سبیل الله» و مبتذل بر فرد و خانواده.

تشویق شرکت‌های تهیه و تولید موسیقی به ارتقا شاخص‌های کیفی در تولید آثار صوتی و صوتی-تصویری و اجراهای صحنه‌ای.

حمایت از تولیدات و رویدادهای شرکت‌ها، مؤسسات و فعالان موسیقی در احیا موسیقی ایرانی، نواحی و آیینی و کمک به ورود آن‌ها به عرصه بین‌المللی و اتخاذ تمهیدات تشویقی.

حمایت از تربیت مدیران هنری متعهد و توانمند.

حمایت از ثبت ملی و جهانی سازها و موسیقی ایرانی.

تقویت و ارتقا کیفیت هنری و غنای فرهنگی گروه‌های سرود دانش‌آموزی و دانشجویی.

حمایت از پژوهش‌های دینی، علمی و کاربردی در مورد موسیقی.

برنامه‌ریزی و اقدام فوری باهدف تربیت مدیران توانمند در حوزه موسیقی.

برنامه‌ریزی و اقدام لازم برای ارتقا محوریت و جریان‌سازی مثبت رسانه ملی در حوزه موسیقی.

تقویت آموزش علمی موسیقی با تمرکز بر موسیقی ایرانی و کلاسیک و اهتمام بر وجوه معناگرا، اخلاقی، معرفتی و حکمی موسیقی.

بهره‌گیری مستمر و هدفمند از ظرفیت‌های اصیل موسیقی ایرانی به‌ویژه موسیقی اقوام و انقلاب اسلامی، به عنوان ابزار مؤثر قدرت نرم در مبادلات فرهنگی، دیپلماسی عمومی و گردشگری.

پیشگیری مستمر از آسیب‌ها و جرایم فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی محتمل در حاشیه موسیقی، با نگاه ویژه به فضای مجازی.

تأمین زیرساخت‌ها و زمینه‌های مورد نیاز برای اجراهای صحنه‌ای موسیقی فاخر و ارزشمند، به‌خصوص موسیقی ایرانی و به‌ویژه در گونه‌های موضوعی ملی، دینی، عرفانی، حماسی و استکبارستیز.

ارتقا جایگاه سرود به عنوان گونه مهم، تربیت محور، مردمی و متعالی در موسیقی انقلاب اسلامی.

افزایش بهره‌گیری از گنجینه شعر کهن فارسی، به‌خصوص شعرهای عارفانه، دینی، حماسی، اخلاقی و حکمی در تولیدات موسیقایی.

اصلاح ذائقه و ارتقا سواد موسیقایی مردم، به‌ویژه کودکان و نوجوانان به سمت موسیقی متعالی با ترجیح موسیقی اصیل ایرانی.

برنامه‌ریزی و اقدام لازم برای حفظ میراث انسانی و هنری موسیقی ایرانی، آیینی و نواحی.

طراحی نظام کارآمد، برای تکریم هنرمندان شاخص و ترویج چهره و آثار آنان.

اجتماعی.

ماده ۷ - الزامات اجرایی:

مسئولیت اجرایی سازی سند ملی موسیقی، بر عهده کمیته تخصصی این سند است که از این پس، «ستاد اجرایی موسیقی کشور» نامیده می شود. ریاست این کمیته که ذیل شورای هنر شورای عالی انقلاب فرهنگی فعالیت می نماید، بر عهده معاون امور هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی است. اعضای این ستاد عبارتند از:

مدیر کل دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (دبیر ستاد اجرایی؛ بدون حق رأی)
مدیر دفتر موسیقی سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی

ایران

مدیر دفتر موسیقی حوزه هنری انقلاب اسلامی

نماینده دفتر تبلیغات اسلامی

نماینده حوزه علمیه قم

رییس خانه موسیقی

تبصره - ستاد اجرایی موسیقی کشور موظف است به منظور اجرایی سازی این سند، از سازوکارهای لازم برای بهره گیری بهینه از ظرفیت بخش های خصوصی و مردمی، استفاده کند.

ستاد اجرایی موسیقی کشور، موظف است حداکثر تا ۳ ماه پس از تصویب این سند، برنامه های اجرایی سند را بر اساس دستورالعمل ستاد فرهنگی و اجتماعی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، تهیه و تکمیل و برای تصویب در ستاد هماهنگی نقشه مهندسی فرهنگی کشور، به دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی ارسال نماید.

تبصره ۱ - نگاهت نهادی برنامه های اجرایی پس از تصویب، به عنوان ضمایم سند به آن ملحق می شود.

تبصره ۲ - دستگاه های اجرایی مکلفند اعتبارات مورد نیاز را برای اجرای فعالیت ها و تکالیف این مصوبه پیش بینی و در زمان تدوین لوائح بودجه سنواتی، به سازمان برنامه و بودجه کشور ارسال نمایند.

ستاد اجرایی موسیقی کشور، مسؤول پیگیری اجرا و نظارت بر حسن اجرای برنامه های اجرایی این سند و کارکردن سنجی دستگاه ها و ارزیابی میزان اثربخشی برنامه های مذکور است.

تبصره - این ستاد، سالیانه گزارش اجرای برنامه های اجرایی و اثربخشی آن ها را با همکاری سازمان برنامه و بودجه، سازمان اداری و استخدامی و سایر دستگاه های مسؤول، تهیه و به ستاد فرهنگی اجتماعی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی ارائه می نماید.

مسئولیت روزآمدسازی سند، بر عهده ستاد اجرایی موسیقی کشور است. این ستاد حداکثر هر پنج سال یکبار، سند را روزآمد نموده و برای بررسی و تصویب به شورای هنر و شورای عالی انقلاب فرهنگی ارسال می نماید.

این سند در یک مقدمه، ۷ ماده و ۴ تبصره در جلسه ۸۹۵ مورخ ۱۱/ ۱۱/ ۱۴۰۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسید و از تاریخ ابلاغ، لازم الاجرا است.

بازنگری در مأموریت و دروس هنرستان ها، دانشکده ها، پژوهشکده ها و نهادهای آموزشی و علمی موسیقی، در راستای تقویت موسیقی انسان ساز، معرفت گرا، اخلاق محور و حکمی.

حمایت از آثار و تولیدات موسیقایی، مبتنی بر نگاه توحیدی، امیدآفرین، تمدن ساز، انسان ساز و تعالی گرا.

بازنگری در نظام مجوزدهی و ضمانت اجرایی مجوزها در حوزه موسیقی و جلوگیری از دخالت های شخصیت های حقیقی و حقوقی در روند صدور مجوز توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به ویژه اجراهای صحنه ای.

حمایت از انجام پیمایش جامع و افکارسنجی در مورد تولید، توزیع و استفاده از موسیقی، به ویژه موسیقی ایرانی، نواحی و آیینی در کشور.

حمایت از گروه ها، انجمن ها و تشکل های موسیقی متعهد و برگزاری کارگاه های تخصصی موسیقی متعالی، انسان ساز، معرفت گرا و حکمی در استان ها.

حمایت از بهره گیری از گنجینه شعر کهن فارسی.

ساماندهی شیوه بهره گیری از موسیقی در آگهی های بازرگانی و تیتراژ و برنامه های صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.

نظارت مستمر بر کاربری و آموزش موسیقی در مهدکودک ها، پیش دبستانی ها و مدارس.

استعدادیابی و پرورش شاعران، ترانه سرایان و تصنیف سرایان متخصص و متعهد به فرهنگ ایرانی اسلامی، انقلابی و تهیه بسته های تشویقی در این زمینه.

تهیه و تقدیم لایحه حمایت از حقوق جامعه، مخاطب، مصرف کننده و هنرمند به مجلس شورای اسلامی به ویژه حقوق پدیدآورندگان آثار هنری.

اقدام لازم جهت بهرمندسازی هنرمندان کارآمد و اثرگذار حوزه موسیقی، از حمایت های گوناگون از جمله، پوشش بیمه ای صندوق اعتباری هنر.

حمایت از اجراهای هنرمندان موسیقی نواحی، بر پایه موسیقی اصیل و سنتی ایرانی اسلامی به ویژه در مقصدهای گردشگری و بوم گردی.

بهره گیری هدفمند و عادلانه از ظرفیت هنرمندان توانمند موسیقی، در تولیدات و رویدادها.

اختصاص آنتن شبکه های سراسری سیما به موسیقی ایرانی، آیینی و نواحی، با حضور همه عوامل و ملزومات صحنه ای در چارچوب آیین نامه خاص مصوب «ستاد اجرایی موسیقی کشور» مندرج در ماده هفت این سند.

حمایت از برگزاری رویدادهای اعتبارساز و جریان ساز ملی و بین المللی در مورد موسیقی تعالی بخش، تمدن ساز و امیدآفرین.

حمایت از مؤسسات و نهادهای باتجربه، توانمند و کارآمد در حوزه استعدادیابی و پرورش هنرمندان متخصص و متعهد به فرهنگ ایرانی اسلامی.

حمایت از آموزش و اجرای موسیقی متعهد، در نهادهای فرهنگی و اجتماعی.

حمایت از تولیدات موسیقایی در زمینه کاهش آسیب های

«جامعه و تغییر در تعریف و تأیید گروه‌های مرجع»

و #جنش_سبز اعتراضی بخش زیادی از جامعه؛ در دل و جان گروه‌های سنی مختلف فارغ از هر باور و اعتقاد به‌عنوان گروه مرجع ماندگار می‌شود؟

وقتی به کارنامه‌ی زندگی محمدرضا شجریان نگاه می‌کنیم، نه فقط در جنبش سبز که در دوره‌های مختلف او را همراه با مردم کوچک و خیابان می‌بینیم. برخی از این همراهی‌ها عبارتند از:

- همراهی با مردم در پیروزی انقلاب ۵۷ به تصور رسیدن به آزادی با ترانه‌های اعتراضی #ز_خون_جوانان_وطن، #سپیده، #شب_نورد، #همراه_شو_عزیز،

- مبارزه برای پیشبرد موسیقی ایرانی و ادبیات پارسی قبل و پس از انقلاب

- اعتراض به محدودیت‌ها و انسداد سیاسی و فرهنگی و هنری پس از انقلاب

- زندگی در ایران و لمس مشکلات و محدودیت‌ها در کنار جامعه - برگزاری کنسرت موسیقی در ایران با همه‌ی نامالیماات و محدودیت‌ها

- همراهی با مردم در مصیبت‌ها و سختی‌ها چون زلزله‌ی بم - ورود هم‌دلانه و راهگشا به مسائل اجتماعی

مانند مکاتبه و تقاضای توقف حکم اعدام #ریحانه_جباری - ساخت و اجرای ترانه‌های اعتراضی پرمغز و فاخر در دهه‌های گذشته مانند آلبوم #بی‌داد، #زبان_آتش، #قاصدک

- هم‌صدایی و هم‌کنشی با مردم معترض در جنبش سبز هم - حضور در خیابان و هم با نغمه و آواز و هنر خود

- دوری از مناسبات قدرت و رانت و امتیازات ویژه‌ی آن - نظر می‌رسد گروه‌های مرجع نزد جامعه‌ی امروز:

۱- همواره ثابت نیستند.
۲- در نسل‌های مختلف با گروه‌های مرجع گوناگون و متکثری روبرو هستیم.

۳- میان گروه‌های مختلف جامعه و گروه‌های مرجع آن، منافع مشترک ارزشی؛ نقش مهمی دارد.

۴- برای گروه‌های مختلف جامعه، مسئولیت اجتماعی گروه‌های مرجع نسبت به مردم و جامعه‌ای که خود را متعلق بدان می‌دانند؛ عامل تعیین‌کننده‌ی برای پذیرش آن‌ها شمرده می‌شود.

۵- جامعه کسانی را در جایگاه گروه مرجع خود می‌نشانند که دارای ارتباطات دوسویه و هم‌کنشی صمیمانه و پاسخ‌گویانه با آن‌ها باشند.

۶- نزدیکی با ملت و شفاف سازی دوری از مناسبات قدرت و منافع مشترک آن‌ها از طریق رانت و امتیازات ویژه

۷- صداقت و شفافیت به‌هنگام و آشکار در هم‌کنشی با جامعه، از ویژگی‌های اصلی و مهم کسانی است که به‌ویژه نسل نوجوان و جوان آگاه امروز ایشان را مفتخر به منزلت گروه مرجع می‌سازد و آنان را از گروه‌های مرجع جعلی و مردود؛ متمایز می‌دارد.

فربیا نظری



از ویژگی‌های دوره کنونی تغییر برخی از مفاهیم مهم در زندگی اجتماعی جوامع مختلف است. این تغییر ناشی از دگرگونی در هنجارهای مورد وثوق مردم صورت می‌گیرد. یکی از دلایلی که سبب این دگرگونی می‌شود، آگاهی اجتماعی جدیدی است که به دلیل ارتباطات گسترده به ویژه با کمک شبکه‌های اجتماعی؛ گروه‌های زیادی از جامعه را پیرامون رخدادها و موضوعات و مفاهیم جدید با یکدیگر، هم صدا و هم کنش می‌سازد.

گروه‌های مرجع یکی از مفاهیم هنجارمند هر جامعه است که به ویژه نسل جوان در پیستی و چرایی هویت خویش، رو بسوی آن دارد. این گروه‌ها در همه‌ی دوره‌ها برای یک جامعه وضعیت ثابتی ندارند و بسته به تغییر و تحولات فرهنگی، موقعیت آن‌ها نیز فراز و فرود پیدا می‌کند.

چندی پیش ویدیویی کوتاه در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد مبنی بر رویارویی منفی مردم در یک کنسرت موسیقی با یکی از مشاهیر علمی کشور و بیرون راندن وی از سالن. در حالی که کراوات زده بود و در کنسرت خواننده‌ی معروف پاپ ایرانی شرکت داشت.

بسیاری از منتقدین او در شبکه‌های اجتماعی و برخی افراد علت روگردانی بسیاری از ایرانیان از وی را بی‌تفاوتی نسبت به مشکلات داخل کشور می‌دانند. منتقدین ایشان می‌گویند او می‌توانست به‌عنوان یک شخصیت علمی شناخته شده، صدای ملت ایران در اعتراضات باشد اما نخواست و نشد.

واکنش من در هنگام تماشای ویدئو علاوه بر احساسی ناخوشایند، دو نکته بود:

۱- تحلیل جامعه شناختی این اتفاق
۲- مقایسه رویارویی و ابراز احساسات مردم نسبت به مشاهیر دیگر و در این میان ناخودآگاه یاد احساسات ایرانیان نسبت به #محمدرضا_شجریان افتادم.

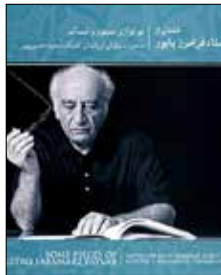
چه اتفاقی در جامعه می‌افتد که فردی چون شجریان با پیشینه‌ی یک خانواده مذهبی که قبل از ورود به میدان موسیقی ایرانی به خواست پدر قرآن می‌خواند و یکی از ماندگارترین نواهای دینی و عرفانی او #آیات_ربنا به هنگام افطار در ماه رمضان مسلمانان نزد همگان مشهور و دلنشین و گوش‌نواز است، به‌ویژه از سال ۱۳۸۸

اشارات

گفت‌وگو با خودم
خاطرات ارشد تهماسبی
ناشر: ماهور

قطعاتی از
استاد فرامرز پایور
ناشر: ماهور

این آلبوم دومین مجموعه‌ای است که به صورت رسمی از مجموعه‌ریل‌های شخصی استاد آرشبو مؤسسه‌ی فرهنگی-هنری ماهور، منتشر شد. در این مجموعه، برخلاف آلبوم پیشین که صرفاً شامل تک‌نوازی‌های استاد پایور بود، قطعاتی هم به صورت هم‌نوازی و هم گروه‌نوازی موجود است که همه‌ی آن‌ها در مجموعه‌ی حاضر برای نخستین بار منتشر شده است.



در این کتاب سرگذشت زندگی‌ام را که بخش‌هایی از آن کنار هنرمندان مشهوری سپری شده، نوشته‌ام. در نقل روابطم با آنها، از هر دو روی سکه گفته‌ام و خوب و بد را با هم آورده‌ام؛ برخوردی که شاید به نظر بعضی، هنجارشکنانه و کمی دور از عرف باشد.



بیشتر زندگی من به تدریس و تحقیق گذشته‌است و خودم را قبل از هر چیز، یک «معلم» می‌دانم؛ از همین رو یاد گرفته‌ام و سعی کرده‌ام در بیان رویدادها و نقل گفته‌ها صادق و امانت‌دار باشم؛ در اینباره به خودم اطمینان دارم؛ اما در مورد درستی قضاوت‌هایم درباره‌ی اشخاص و عملکردهایشان، و تحلیل رویدادها، چنین یقینی نیست و قضاوت درباره‌ی این قسمتی به عهده‌ی شما. طبیعتاً در اینجا هنگامی که بحث تحلیل و داوری در بین بوده، از دیدگاه خودم برخورد کرده‌ام؛ حالا این شما هستید که بگویید کجاها درست اندیشیده‌ام و کجاها به خطا رفته‌ام.

کتاب موسیقی ۱۴۰۳ منتشر شد



هشتمین دوره کتاب موسیقی (سالنامه پژوهشی ۱۴۰۳) تالیف حمیدرضا عاطفی (عضو هیئت مدیره کانون پژوهشگران) منتشر شد. در این کتاب که حاوی صدها عکس از هنرمندان رشته‌های مختلف موسیقی و اطلاعات جامع این حوزه است اطلاعات متنوعی از اتفاقات موسیقی گردآوری شده است. ویژگی این دوره سالنامه پرداختن به دستخط هنرمندان حوزه‌ی موسیقی است. در این سالنامه علاوه بر اطلاعات مربوط به سال تولد و درگذشت هنرمندان شاخص موسیقی، اطلاعات و اسامی هنرمندان در گذشته و قطعه هنرمندان، اسامی هنرمندان درجه یک هنری و دیگر اطلاعات مفید، نمونه‌ای از دستخط هنرمندان ارائه شده و در انتهای سالنامه قطعات خطاطی شده هنرمندان موسیقی همچون استادان: شیدا، صبا، شجریان، بوذری و تعداد دیگری از هنرمندان شاخص موسیقی به صورت رنگی چاپ شده است. همچنین چند طرح کاریکاتور از اردشیر رستمی در کتاب موسیقی ۱۴۰۳ به چاپ رسیده است. این سالنامه در قطع رقی، جلد گالینگور، در سه رنگ با کاور منقش به طراحی گل و مرغ اثر هنرمند پیشکسوت خانم مینا بهداد فر تهیه و ارائه شده است.

درس‌هایی از داریوش صفوت

برای سه تار
بر اساس ردیف‌های استاد ابوالحسن صبا
ناشر: ماهور

مجموعه‌ی حاضر شامل ضبط‌های خصوصی‌ای است که دکتر داریوش صفوت - طی چند سال - سر کلاسش اجرا کرده است. شیوه‌ی آموزش جلسات خصوصی معمولاً بدین گونه بود که او بر اساس برنامه‌ی تدریس هر جلسه، در کنار پرداختن به جزئیات و ظرایف هر قطعه، بخشی از جلسه را نیز به ضبط قطعات اختصاص می‌داد. اجرای این قطعات معمولاً از روی نت و با تمپوی آهسته و گاهی همراه با توضیحات شفاهی بود. بخش عمده‌ای از جلسات تدریس، به ردیف ابوالحسن صبا اختصاص یافته بود (ردیف سه تار، سنتور، و ویلن). به جز ردیف سه تار صبا، دکتر صفوت، ردیف سنتور و برخی قطعات ردیف ویلن را برای اجرا روی سه تار تنظیم و تدریس می‌کرد. پس از حدود بیست سال، برخی شاگردان مجموعه‌ی ضبط‌های خود را در اختیار خانواده‌ی او قرار دادند تا به عنوان یادگار ثبت و ضبط شود



این قافله عمر عجب می گذرد...

زمستان سال ۱۴۰۲ مانند تمام روزهای گذشته دلگیر بود و با غم فراغ یاران و عزیزان همراه شد. جامعه موسیقی سوگوار از دست دادن عزیزی شد که سالها در خدمت فرهنگ و هنر این سرزمین بودند. به رسم ادب و در این روزها یاد می کنیم از تمام آنانی که کنارمان بودند و حالا نیستند و آرزو می کنیم سال آینده سالی سرشار از اتفاقات خوب در حوزه موسیقی باشد.

از جمله یاران سفر کرده «جمشید جم» خواننده با سابقه بود که ۱۱ بهمن ماه ناباورانه در منزل درگذشت. سرود آشنا «یار دبستانی من» از جمله آثار ماندگار جمشید جم بود.



«سید رضا رضوی باهر» از اعضا کانون آهنگسازان خانه موسیقی از جمله یاران عزیز درگذشته در زمستان امسال بود.

«دولتمند خالف» موسیقی دان، نوازنده و خواننده تاجیک بود که اغلب آهنگ ها و آوازهای او حالت صوفیانه داشت و بعضاً بر اساس اشعار مولانا تنظیم شده بود. این خواننده بعد از طی یک دوره بیماری در زمستان درگذشت.



«فرزاد امیرانی» مولف، مدرس و نوازنده گیتار امسال و در زمستان دارفانی را وداع گفت.

سرکار خانم «اعظم کریمی» خواننده موسیقی ایرانی و عضو کانون خوانندگان سنتی در زمستان امسال و بعد از تحمل یک دوره بیماری دارفانی را وداع گفت



«ابراهیم نقدیان» نوازنده ویولن و کمانچه از جمله چهره های شناخته شده موسیقی بود که امسال درگذشت. ابراهیم نقدیان با گروه هایی مانند شیدا، عارف و هنرمندانی همچون پرویز مشکاتیان، محمدرضا لطفی، علی اصغر شاه زیدی و... همکاری داشت.

«محمد شکارچی» نوازنده موسیقی مقامی لرستان امسال دارفانی را وداع گفت.



«ابوالقاسم سلوکی عامل» هنرمند پیشکسوت و نوازنده و سازنده تار و سه تار در زمستان درگذشت.



خانه موسیقی ایران

www.iranhmusic.ir